

نابود باد جنگ؛ مرگ بر خمینی؛ زنده باد صلح و آزادی

# نبرد خلق

کارگران و زحمتکشان متحد شوید

۱۲ صفحه - ۵۰ ریال

ازگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران  
پیرو برنامه (هویت)

دوره چهارم - سال چهارم  
شهریور ماه ۶۶ - شماره ۳۹

## نبرد خلق

### در آغاز سال چهارم

با انتشار شماره ۳۹، نبرد خلق وارد چهارمین سال دوره چهارم حیات خود میشود. نبرد خلق، طی سه سال گذشته، یک پروژه تکاملی را پشت گذاشته است. مقایسه اولین شماره‌های هر سال نبرد خلق با هم، نشان دهنده رشد نبرد خلق، هم از لحاظ شکل و هم از لحاظ محتوای است. بدون شک، در راهی که تا کنون پیموده شده، تشویق و حمایت هم میهنان مبارز و انقلابی نقش برجسته‌ای برای پیشرفت کنار نشربه داشته است. کسانی که با تحولات مرونی جریبان فدایی آشنایی دارند، بخوبی می‌دانند که سازمان ما، بمثابه سازمان پیشتاز فدایی، در چه شرایط سخت و دشواری ادامه حیات می‌دهد و نبرد خلق، خوشحال و سرفراز است که استوار و ثابت قدم بر مواضع انقلابی سازمان بافشاری می‌کند و هیچ فشاری نتوانسته است ما را از تبلیغ و ترویج نظرات سازمان باز دارد. کسانی که با مواضع نیروهای مدعی مارکسیسم آشنایی دارند، بخوبی در صفحه ۲

مردم ایران، در سالگرد جنگ ارتجاعی برای سرنگونی رژیم خمینی و تحقق صلح و آزادی بیا خیزید



فرزندان خود را به سربازی نفرستید  
بسیج ضد مردمی رژیم را  
بهر شکل ممکن  
خنثی نمائید،  
به سربازان فراری کمک کنید  
\* \* \*  
سربازان، درجه‌داران  
و افسران ملی و مردمی

از جبهه‌ها، پادگانها و سربازخانه‌ها فرار کنید  
بهر شکل ممکن، در جبهه‌ها اخلاص ایجاد کنید  
در پشت جبهه‌ها  
مانع تحرك جنگی رژیم شوید  
سیستم جنگی رژیم را  
بهر شکل ممکن مختل کنید  
این جنگ،  
جنگ مردم ایران نیست  
علیه مردم ایران و عراق است  
تنها خمینی و سوداگران  
اسلحه خواهان جنگ هستند  
جوانان ایران:  
در بسیج شرکت نکنید - به  
جبهه نروید در تهاجمات  
رژیم شرکت نکنید، به  
مقاومت انقلابی بپیوندید

## تهاجم قهرمانانه پیشمرگان فدایی

### به پایگاه کلاوی نوکان

در تاریخ ۱۲/۶/۶۶، پایگاه مزدوران رژیم در کلاوی نوکان واقع در محور پیرانشهر - سردشت پس از شناسایی در ساعت ۷:۲۰ دقیقه بعد از ظهر به مدت ۱۵ دقیقه با سلاح سنگین، مورد حمله پیشمرگان نهرمان فدایی قرار گرفت. از میزان

سومین عملیات پیشمرگان فدایی در منطقه پیرانشهر

## پایگاه سینه‌کانی مورد حمله پیشمرگان فدایی قرار گرفت

در تاریخ ۱۹/۶/۶۶، پایگاه سینه‌کان واقع در محور پیرانشهر - سردشت، در ساعت ۷:۲۰ دقیقه بعد از چند طرف مورد حمله پیشمرگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - پیرو برنامه

## عقب نشینی خمینی از موضع در ماندگی

وقتی ۷ سال قبل جنگ ایران و عراق شروع شد، خمینی این جنگ را يك "نعمت" نامید. در واقع از نظر منابع رژیم، این جنگ، واقعا هم يك "نعمت" بود. امروز پس از ۷ سال، رژیم خمینی آنچنان در بن بست جنگ گیر کرده است، که هر تلاش آن، چه در موضع تعرض و چه در موضع عقب نشینی، آنرا

امام پیش بینی کرده‌اند که

امسال، سال پیروزی است

رفسنجانی ۲۷ خرداد سال قبل  
شتر در خواب دید پنبه دانه

هر چه گسترده‌تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنگونی رژیم خمینی

## عقب نشینی خمینی از موضع درماندگی

از صفحه ۱

موسوم به کربلای ۵، که رژیم مدتها در تدارک آن بود رژیم خمینی در بدترین شرایط حیات خود قرار گرفت. تشادهای درونی رژیم آنقدر شدت گرفت، که برای کنترل آن، خود خمینی چند بار به صحنه آمد، با وجود این، باندهای درون هرم ولایت فقیه خمینی، بطرز بی سابقهای بجان هم افتاده اند. خمینی در چهارم مرداد سال جاری در دیدار با فرماندهان مزدور سپاه اعلام نمود که: "شرط اینست که همه با هم تمام قوا با هم باشید" و "تقاضا داریم وحدت خود را حفظ کنید". اگر بخواهیم پیرامون تشدید تشادهای درونی رژیم به تمامی اعترافات سرکردگان رژیم استناد کنیم، باید چند شماره روزنامه را تنها بدین امر اختصاص دهیم، ما تنها به ذکر یک جمله دیگر از گفتههای خمینی برای روشن شدن این امر قناعت می‌کنیم. خمینی در رابطه با تشادهای درونی رژیم می‌گوید: "تکلیف شرعی من این است که با هر چه می‌شه جلوی اختلافات را بگیریم ولو با افشا کردن ولو به اینکه یک نفر را قربانی کنیم و با برای ملت یک دستور را قربانی کنیم"

روشن است وقتی خمینی از "تکلیف شرعی" و "قربانی کردن" حرف می‌زند، چه مسائلی را مد نظر قرار داده است. در حوزه‌های دیگر نیز، برای رژیم جز رسوایی حاصل دیگری نداشته است. این در حالی است که مقاومت مسلحانه بر بستر شرایط بحران کنونی و بر اساس اتخاذ موضع تعرضی کامل رشد و گسترش یافته و تاثیرات عمیقی بر تمامی جوانب جامعه ایران بجای می‌گذارد و این در حالی است که تلاشهای رژیم و حامیان بین‌المللی اش نتوانسته است، مشکلات رژیم را حل و بحران آنرا تخفیف دهد. در این شرایط، خمینی در صدد بر سر میناید که برای فشار بر جریانات بین‌المللی و منطقه‌ای و نیز جابجایی کردن بحران از طریق ایجاد بحران، آخرین تیر ترکش خود را رها کند و از حزب الهی‌های جهان استمداد بطلبد. خمینی پیش خود حساب می‌کند که اگر بتواند تعداد قابل توجهی از حجاج را بدنبال خود در تظاهرات "براث" بکشد، با این قدرت نمایی چند مساله را حل خواهد کرد. و خواهد توانست هم اعراب را بترساند و هم به غرب قدرت خود را نشان دهد. از این نظر اقدام به انتشار یک پیام طولانی ایدئولوژیک، سیاسی تشکیلاتی نمود. پاسخ این پیام، بلوای شکست خورده مکه بود. حسابهای خمینی این بار بسیار غلط از کار درآمد و خمینی که تا کنون به همه "سیلی" می‌زد، این بار اعتراف نمود که "سیلی خورده" و باز هم نوش جان خواهد کرد.

خمینی در تاریخ ۲۲/۵/۶۶ گفت: "داریم سیلی می‌خوریم... باید سیلی بخوریم" و در روز ۲۶/۵/۶۶ در ملاقات با یکی از سرکردگان بلوای مکه (عبدالله نوری نماینده خمینی در جهاد) گفت: "ما کله نداریم، چون برای حکومت اسلامی قیام کرده ایم، سیلی بخوریم، ما باید زیاده‌تر سیلی بخوریم" از طرف دیگر، بعطت یک سلسله مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای، آمریکا نتوانست سیاست

## نبرد خلق

در آغاز سال چهارم از صفحه ۱

میدانند که طی چند سال گذشته، اکثریت این نیروها چگونه بطور مداوم نظرات اساسی خود را تغییر داده و با بی پرسیمی خاصی، هر بار با حمله به مقاومت انقلابی، خط خود را "کاملاً پرولتری؟" نامیده‌اند. اما نبرد خلق، در میان انبوهی از مشکلات و فشارها، همچنان پایدار و استوار بر خط انقلابی خود پای فشاری می‌کند. نبرد خلق اولین نشریه‌ای بود که در میان نشریات مدعی مارکسیسم لنینیسم، بر شعار "ملح و آزادی" پای فشرد و اکنون پس از سه سال، این گروه‌های به اصطلاح "پیشرو" هستند که باید لنگان لنگان بنشینند. شعارهای ما بیابند و آنرا با تزلزل تقلید کنند.

ما در آغاز چهارمین سال حیات نبرد خلق اعلام می‌کنیم که باز هم بر مواضع انقلابی سازمانمان و بر اصول مندرج در برنامه (هویت) سازمان ما فشاری خواهیم کرد.

طی سال گذشته نبرد خلق، در زمینه مسائل سیاسی، بیگیرانه به افشا سیاستهای جنگ افروزان و سرکوبگرانه رژیم خمینی پرداخت. با اخبار و اطلاعات مفید، سیاستهای ارتجاعی رژیم را افشا و خطت تشادهای درونی ولایت فقیه را افشا نمود. تعدادی از مقالات نبرد خلق، بعطت اینکه حاوی اطلاعات تازه و مباحث زنده بود، مورد استقبال وسیع هم‌فکران مبارز قرار گرفت. گزارشات مستند از جنگ، نامعنی هم‌مصلحان ما از ایران، افشای تهاجمات شکست خورده رژیم به خاک عراق، دفاع از جنبش انقلابی مسلحانه برای سرنگونی رژیم خمینی، افشا ماهیت سیاستهای اپورتونیستی و رفرمستی با پوشش‌ها و زورقوهای "جیب" در زمینه جنبش کارگری و کمونیستی، دفاع از جنبش

دمکراتیک خلق کرد، انتشار اخبار مقاومت انقلابی افشا، سیاستهای رژیم در منطقه، انتشار مقالاتی از مطبوعات بین‌المللی که میتواند برای جنبش مقاومت انقلابی مفید باشد، و... از جمله مطالبی بوده که نبرد خلق بطور پیگیر بدان پرداخته است. همچنین نبرد خلق، بخشی از فعالیت‌های رفقای سازمان را در داخل کشور، نوار مرزی و خارج کشور منعکس نموده، بطوریکه خوانندگان نشریه نبرد خلق با مطالعه شماره‌های سال سوم ارگان سازمان بطور عمده از بیان کار یکسال گذشته هم، با خیر خواهند شنید. در سال گذشته بسیاری از رفقا و دوستان سازمان، برای ما مقاله، گزارش، ترجمه، خبر، شعر، طرح و نامه فرستاده‌اند که بخشی از آن‌ها در نبرد خلق منعکس شده است. ضمن سیاست و قدرتی از این همکاریهای ممیمانه خواستار ادامه همکاری این دوستان و رفقا هستیم. در اینجا بخواهیم از همکاری مداوم رفقای "حوزه خبر" مستقر در پایگاههای سازمان در نوار مرزی، با نبرد خلق، قدرتی نمایم.

نبرد خلق سال چهارم خود را با درود بی پایان به رزمندگان مقاومت انقلابی و مبارزان راه آزادی ایران، با گرامیداشت خاطره شهدای بخون خفته خلق، با درود به زندانیان سیاسی که در جنگ‌ها مزدوران رژیم خمینی مقاومت می‌کنند، با درود به خانواده شهدا و اسرای جنبش خلق و با ایمان به پیروزی مردم ایران برای سرنگونی رژیم خمینی و بنای ایرانی آزاد، مستقل و دمکراتیک، آغاز خواهد کرد. آرزوی ما اینست که در سال چهارم نبرد خلق، شاهد پیروزی مردم ایران در مبارزه برای نابودی جنگ، سرنگونی رژیم خمینی و برقراری صلح و آزادی باشیم. با ایمان به پیروزی راهبان

مسئول نبرد خلق - زهره

قبلی اش را پیش ببرد. اکنون می‌خواهد نگذارد که در موقعیت بحرانی رژیم، ایران با یک جنبش مقاومت اصیل، از حوزه نفوذ غرب خارج شود. ضمن اینکه منافع آمریکا در رابطه با متحدین منطقه‌ای اش ایجاب میکند که جنگ را خاتمه دهد. اگر جنگ تنها در مرزها باقی نماند، آمریکا (بخصوص تحت حاکمیت نمایندگان جناح تسلیحاتی امپریالیسم) خواهان ادامه جنگ بود. اما این امر که بسود رژیم خمینی و به ضرر عراق است، عملی نیست. بطور مثال طی ۶ هفته‌ایکه تحت فشار آمریکا و بطور کلی غرب، دولت عراق از حمله به کشتیهای نفتی رژیم و اسکله‌های نفتی خودداری می‌کرد، رژیم خمینی روزانه حدود ۳ میلیون بشکه نفت بفروش رساند. این در حالی است که عراق، اساساً از این منطقه (خلیج فارس و دریای عمان) هیچگونه استفاده‌ای در صدور نفت نمی‌برد و بنا بر این نمی‌تواند شاهد تقویت رژیم خمینی، در چنین حالتی باشد. اوضاعی که در ۶ هفته اول ورود کشتی‌های نظامی غرب در خلیج فارس حاکم بود، کاملاً بسود رژیم خمینی جریان داشت. اما پس از آنکه دولت عراق به بمباران پایانه‌های نفتی و کشتی‌ها مبادرت ورزید، وضع تغییر نمود. در حالی

قبلی خود پیرامون رژیم خمینی را پیش ببرد. سال قبل آمریکا در صدد بود با سرنگون نمودن حکومت عراق، جنگ را خاتمه داده و موقعیت کلمت رژیم را از طریق تقویت جناح به اصطلاح "میانرو" تقویت کند. شکست این سیاست، منجر به بحران عظیمی در جامعه آمریکا و در روابط بین‌دولت آمریکا و متحدین و دوستان آمریکا در بین کشورهای عربی شد. دولت ریگان، پس از آنکه شورای امنیت قطعنامه ۵۹۸ را تصویب نمود و در رابطه با تحمیل صلح به رژیم خمینی کشورهای بزرگ بتوافق رسیدند تصمیم گرفت که با حضور نظامی خود و متحدین غربی اش در خلیج فارس، چند مساله را بسود منافع خود حل کند. از یکطرف اعتماد خدشه دار شده کشورهای وابسته بخود در منطقه را دوباره جلب نماید و نیز از نزدیک شدن آنان به شوروی جلوگیری نماید. این بخودی خود، تاکتیکی در مقابله با جلوگیری از حضور اتحاد شوروی، گسترش روابط آن با اینگونه کشورها بود. از طرف دیگر آمریکا با حضور در خلیج فارس، آماده واکنش سریع در مقابل هر تغییر و تحول در منطقه است. بخصوص در رابطه با ایران، آمریکا که نتوانسته است سیاست

در صفحه ۸

## اخبار کوتاه

از صفحه ۱۲

اظهار نظر کردند که تهدیدهای رژیم خمینی در مورد کاربرد موشکهای ساحل به دریا و یا قایق های انتحاری توخالی بوده است.

هاشمی رفسنجانی عجز و ناتوانی رژیم را در مقابل اعراب باز هم نشان داد. وی در ملاقات با نمایندگان کشورهای عربی و افریقایی در تاریخ ۱۵ شهریور ماه جاری گفت " آنان اگر این بیطرفی را اعلام کنند ، ما از گناه ۷ ساله شان می گذریم " .

در تاریخ ۱۵ شهریور ماه امسال ، عبداللّه نبروز الطحی وزیر امور خارجه لیبی پس از دیدار از کویت برای مذاکره با مقامات عراق وارد بغداد شد . وی پس از مذاکره با طارق عزیز وزیر امور خارجه عراق در تاریخ ۱۷ شهریور با رئیس جمهور عراق ملاقات نمود . بدنبال این سفر ، دو کشور بیابانه مشترکی صادر نموده و از قطعنامه ۵۶۸ شورای امنیت ملل متحد حمایت نمودند .

الکساندر دالسیین رئیس بخش خلیج فارس در وزارت امور خارجه شوروی اعلام نمود که " اتحاد شوروی بطور اصولی با ممنوعیت صدور اسلحه به کشوری که قطعنامه اخیر شورای امنیت را رد کند موافق است " .

سعدون حمادی ، رئیس مجلس ملی عراق در تاریخ ۲۲ شهریور امسال در یکن گفت که ، چین از قطعنامه درخواست آتش بس بین ایران و عراق حمایت میکند . وی همچنین گفت ، بر اساس اظهارات مقامات چین او می پذیرد که چین هیچگونه اسلحه ای از جمله موشکهای ضد کشتی در اختیار رژیم خمینی قرار نداده است .

در ماه گذشته ، تعداد زیادی از هدفهای اقتصادی و کشتیهای نفتی ، توسط هواپیماهای عراقی بمباران شد . در تاریخ ۶۶/۶/۲۰ عراق اعلام نمود که ۷ هدف اقتصادی را بمباران کرده است و در تاریخ ۶۶/۶/۱۹ چند کارخانه در کرمانشاه ، درود و اسلام آباد غرب مورد حمله قرار گرفت ، در تاریخ ۱۸ ماه جاری مراکز اقتصادی شهرهای درود ، خرم آباد ، هزفول اراک مورد حمله هواپیماهای عراقی قرار گرفتند . در تاریخ ۷ شهریور جاری ، حوره های نفتی رخس لاوان و فارس مورد حمله هواپیماهای عراقی قرار گرفت ، همچنین روز بعد چند کارخانه در شهرهای همدان ، تبریز و گچساران مورد حمله قرار گرفت . در تاریخ ۱۰ شهریور امسال مراکز صنعتی استان اصفهان مورد حمله هوایی قرار گرفت . روز بعد کارخانه های شهرهای اراک ، همدان و اهواز بمباران هوایی شد . در تاریخ ۱۲ شهریور ماه جاری مراکز صنعتی استان خوزستان مورد حمله هوایی قرار گرفت . در این حملات تعدادی از کارخانجات ایران و تعداد کثیری از هم میهنان ما کشته شدند . رژیم خمینی بنا ادامه این جنگ ، شد ملی و شد سپهری هر روز بخش

بیشتری از منابع انسانی و مالی مصیبت ما را نبودی می کشاند .

اتحادیه جهانی کارگران حمل و نقل و سندیکای ملوانان چند کشور و منجمله دانمارک ، خواستار گرمیدن که برای پایان بخشیدن به جنگ ایران و عراق هر چه زودتر اقدام شود .

۱۲ کشور عضو جامعه اروپا ، طی اعلامیه ای که در تاریخ ۱۱ شهریور جاری منتشر کردند ، خواهان آتش بس فوری در خشکی و دریا در جنگ ایران و عراق شدند .

رادبو اسرائیل در تاریخ ۲۲ شهریور امسال از قول وزیر امور خارجه امریکا ، جورج شولتز اعلام نمود که یک رشته تماسهای غیر مستقیم بین امریکا و رژیم خمینی در جریان است . شولتز اعلام نمود که در این تماسها ، طرفین مواضع خود را رد و بسند می کنند تا مواضع هم را کاملاً درک کنند و سوء تفاهمی پیش نیاید .

به گزارش رادبو مجاهد ، رزمندگان دلیر ارتش آزادیبخش ملی در تاریخ ۲۰ مرداد ماه جباری ۲ پایگاه بزرگ رژیم در منطقه مرزی سورین مریوان را مورد تهاجم قرار دادند و با کشتن و زخمی نمودن تعداد زیادی از مزدوران رژیم ، ۱۲ نفر از آنان را نیز به اسارت در آوریدند .

به گزارش رادبو مجاهد ، مجاهدین دلیر ارتش آزادیبخش ملی ، طی یک تهاجم قهرمانانه به پایگاههای رژیم در منطقه دهلران ، تعدادی از مزدوران رژیم را کشته و زخمی نمودند . این عملیات در تاریخ ۱۵ مرداد ماه جاری صورت گرفت .

به گزارش رادبو مجاهد ، نیروهای ارتش آزادیبخش ملی ، اولین عملیات خود را در منطقه مرزی خوزستان با موفقیت به انجام رساندند . در این عملیات که در منطقه چاههای نفتی بیات در نزدیکی شهر موسیان صورت گرفت ، ۱۱۲ تن از مزدوران رژیم کشته و زخمی و ۱۶ تن به اسارت در آمدند . این عملیات در تاریخ ۱۱ شهریور ماه جاری صورت گرفت . به گزارش رادبو مجاهد ، نیروهای ارتش آزادیبخش ملی ، طی یک تهاجم قهرمانانه به پایگاههای رژیم در منطقه مرزی شهر مهران در استان ایلام ، تعداد کثیری از مزدوران رژیم را بهلاکت رساندند . در این عملیات ۱۱۰ تن از مزدوران رژیم کشته و زخمی شدند و ۱۱ تن به اسارت در آمدند . این عملیات در تاریخ ۳۰ مرداد ماه جاری صورت گرفت .

## اعزام به جبهه های مرگ و نیستی

در تاریخ ۲ شهریور امسال ، بمنظور هماهنگ کردن اقدامات ارگانهای سرکوبگر و جنگ افروز رژیم برای بسیج شد مردمی ، سمیناری در تهران تحت عنوان " لبیک یا امام " برگزار شد . در این سمینار که برای رژیم اهمیت حیاتی داشت ، تمام سران رژیم و ارگانهای جنگ افروز رژیم شرکت داشتند . این سمینار را روحانی عضو کمیسیون دفاع مجلس

ارتجاع و مسئول ستاد مرکزی و پشتیبانی جنگ اداره می نمود و در آن اعضای شورای عالی دفاع ، اعضای شورای عالی پشتیبانی جنگ ، اعضای ستاد مرکزی پشتیبانی جنگ ، اعضای هیئت دولت ، ائمه جمعه نمایندگان خمینی در استانها ، استادان کشور ، فرماندهان سپاه و ارتش ، مسئولین امور جنگ در جهاد سازندگی شرکت داشتند . تنها مساله ایس سمینار ، چگونگی بسیج و اخاذی برای جبهه های جنگ شد مردمی رژیم بود . محصول این سمینار اعزام تعدادی نیرو از سراسر کشور به جبهه های جنگ و نیستی تحت عنوان " کاروانهای حماسه سازان عاشورا " بود . در تاریخ ۲۰ شهریور امسال ، شورای عالی پشتیبانی جنگ ، در مورد اعزام نیرو و تدارکات جبهه ، جلسات مفصلی تشکیل داد و رژیم تصمیم گرفته است در هفته اول مهر ، پس از یک سلسله مانورهای عوامفربانه تحت عنوان " جنگ و ایثار " " جنگ و بسیج " و " ۰۰۰ " در تاریخ ۶ مهر باز هم تعدادی از مردم ایران را روانه جبهه های نیستی و مرگ نماید . همچنین رژیم برای روحیه دادن به نیروهای روحیه باختمناش ، تصمیم گرفته است در هفته اول مهر ، در پارک ارم تهران ، مانوری در تقیست از عملیات شکست خورده کربلای ۵ انجام دهد .

رادبو امریکا در تاریخ اول شهریور امسال گزارش نمود که ریچارد مورلی در برنامه تلویزیونی این هفته که لاریجانی نیز شرکت داشت ، در مورد اهداف امریکا از حضور نظامی در خلیج فارس صحبت نمود . ریچارد مورلی گفت : " هدف از حضور نظامی امریکا در خلیج فارس ، تامین امنیت و ثبات جریان یافتن نفت ، حمایت از کشورهای عرب میانسه رو جلوگیری از گسترش نفوذ شوروی در منطقه است که همه این اهداف از جمله منافع مهم امریکا محسوب میشود " . همچنین رادبو بی بی سی در برنامه دوم شهریور امسال با شیرین هانتر که از تحلیل گران امریکایی و مدافع خط استعاله در رژیم خمینی است ، مصاحبه ای در این مورد انجام داده است . هانتر در مورد علت حضور نظامی امریکا در خلیج فارس می گوید : " یکی از دلایل افزایش نفوذ شوروی در خلیج فارس بود ، با توجه به اینکه شوروی اولین قدرتی بود که تقاضای کویست را قبول کردند . ولی عوامل ویژه ای هم در این مورد اثر داشت ، از جمله اینکه امریکا می خواست که به اصطلاح پشتیبانی خودش را از کشورهای عربی خلیج فارس نشان بدهد ، بخصوص بعد از ماجرای ایران کنترا " .

در اولین روز شهریور ماه سال جاری ، رئیس جمهور رژیم همراه با نخست وزیر و هیئت دولت به دیدار خمینی جنایتکار رفتند . خمینی در دیدار با مزدوران جنایتکار خود ، سخنانی ایراد نمود که نشان می دهد از جریان شکست بلوای مکه ، کاملاً بیگانه بوده است . خمینی می گوید : " ما توجه داشته باشیم به اینکه ما خودمون چیزی نیستیم ، هر چه هستیم اوست " وی سپس به نشانه های درون رژیم اشاره می کند و می گوید : " و اگر که اشخاصی خارج ایستادن میکنند چرا چه شد ، چرا نشد ، چرا باید

در صفحه ۴

اخبار کوتاه

از صفحه ۳

بشه ، چرا ۰۰۰۰ لکن وارد نیستند ببینند گمشه مشکلات چی هست در به همچنین زمانی " وی سپس وارد مساله بلوای مکه شد و گفت : " لکن مسئله حجاز ، مسئله دیگریت ۰۰۰ اگر ما از مسئله قدس بگیریم ، اگر ما از مدام بگیریم ، اگر ما از همه کسانی که به ما بدی کردند بگیریم ، نمیتونیم از مسئله حجاز بگیریم " خمینی سپس در ماندگی خود را با گفتن این جملات نشان داد : " و ما واقعا متحیریم که باید چه بکنیم ، خدای تبارک و تعالی خانه خودش را حفظ می کند ۰۰۰ و مسلمین خودشون میدوند تکلیف خودشون را ۰۰۰ و ما نمیدونیم که از این وضع چطور خارج بشیم "



سیاست جنگ افروزان رژیم خمینی و بحرانی که بعثت ادامه این جنگ در منطقه بوجود آمده است ، سبب آن شده است که آمریکا و متحدین غربی اش حضور نظامی خود را در خلیج فارس بطور گسترده ای افزایش دهند . بر اساس آمار منتشره تا نیمه اول شهریور امسال ، شمار سربازان آمریکا در خلیج فارس به ۲۰ هزار نفر رسیده است . آمریکا تا این تاریخ ۲۷ ناو و رزم ناو در خلیج فارس مستقر نموده است ، رزمناوهای مسوری و ناو هواپیمابر کیتی هاوک از کشتی های جنگی بزرگ آمریکا در خلیج فارس است . علاوه بر آمریکا ، انگلستان ، حدود ۶ رزمناو و فرانسه با چند کشتی جنگی و رزمناو و یک فروند موشک انداز ، ایتالیا با چند رزمناو و نیز کشتی های مین جمع کن ، انگلستان ، فرانسه هلند ، ایتالیا و ۰۰۰ مجموعه کشتی ها شست که در خلیج فارس حضور دارند . مسلما مسئول حضور بسک چنین نیرویی ، جریانی است که خواستار ادامه جنگ ایران و عراق است و این نیرو ، رژیم خمینی است .



خامنهای جنایتکار در مجمع عمومی ملل متحد



سید علی خامنه‌ای ، رئیس جمهور خمینی و از سرکردگان جنایت کار جریانات تروریستی در مجمع عمومی ملل متحد چه می کند ؟ رژیم خمینی :

- پس از شکست های متعدد در عرصه داخلی و بین المللی ،
- پس از آنکه طی دو سال متوالی ، بعثت نقش حقوق بشر در مجمع عمومی ملل متحد محکوم شناخته شد ،
- پس از تصویب قطعنامه شورای امنیت ملل متحد که بر ضرورت آتش بس و صلح در جنگ ایران و عراق تاکید می کند ،
- پس از شکست ماجراجویی جنایتکارانه اش در سازماندهی بلوای امسال در مکه ،
- پس از آنکه سیاست جنگ افروزان ، سرکوبگرانه و تروریستی اش ، از طرف افکار عمومی جهان و سازمانهای طرفدار حقوق بشر و صلح دوست محکوم شناخته شد ،
- پس از افشا ، ماجرای فضاخت بار خرید اسلحه از آمریکا و اسرائیل ،
- پس از آنکه تمامی تهاجماتش به خاک عراق ، طی دو سال گذشته با شکست فضاخت بار مواجه شد و این تهاجمات به بهای قربانی شدن صدها هزار نفر اتباع مین ما تمام شد ،
- پس از آنکه تضادهای درونی رژیمش ، آنقدر شدت و حدت یافته که آخوندهای گرگ صفت بجان هم افتاده و یکدیگر را پاره پاره می کنند ،
- پس از آنکه با دهها هزار امداد و صدها هزار زندانی سیاسی نتوانسته است صدای اعتراض مردم ایران را خاموش نماید ،
- پس از آنکه عجز و ناتوانی خود را در مقابل مقاومت عادلانه مردم ایران برای صلح و آزادی بسا گسترش اختناق ، زندان ، شکنجه و اعدام نشان داده است ،
- امسال تصمیم گرفت تا خامنهای جنایتکار را به مجمع عمومی ملل متحد روانه کند تا آبروی از دست رفته او را عوام فریبی و شایعی باز یابد . خامنهای در آستانه آغاز هشتمین سال جنگ ضد ملی و ضد مردمی رژیم خمینی و عراق به مجمع عمومی ملل متحد می رود تا سیاستهای پان اسلامیتی و مدور ارتجاع اش را بسا شایعی برای جهان توضیح دهد . خامنهای به دستور خمینی ، بزرگترین جنایتکار قرن ، ولی فقیه آخوندهای ارتجاعی ، به مجمع عمومی ملل متحد می رود تا بخمال خام خود فعالیت های افشاگرانه مقاومت عادلانه مردم ایران که بوسیله شورای ملی مقاومت طی سالهای گذشته ، بطور گسترده صورت گرفته را خنثی نماید . اما خمینی جنایتکار باید بداند که فعالیت های گسترده شورای ملی مقاومت ، تاثیر قاطع بر جریانات بین المللی گذاشته و هیچ طرفندی نمیتواند آبروی آن دست رفته این رژیم جنایتکار را بساز گرداند . جای واقعی این رژیم ، بر بایگانی تاریخ است و حضور خامنهای جنایتکار در مجمع عمومی ملل متحد نمیتواند از سرنوشت محتوم این رژیم یعنی سرنگونی ، جلوگیری کند .

نابود باد جنگ ، مزگر بر خمینی ، زنده باد صلح و آزادی

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - پیرو برنامه (هویت)  
شهریور ۶۶

برخی از رویدادهای تاریخی

از صفحه ۱۲

- ۱۳۵۸ - کشتار وحشیانه مردم روستای قارنا توسط مزدوران رژیم خمینی با رهبری آخوند ملاحی
- ۱۳۵۹ - شهادت سرگرد عباسی عضو کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران و از فرماندهان برجسته بخش نظامی حزب دمکرات
- ۱۳۵۹ - آغاز جنگ ایران - عراق
- ۱۳۶۰ - انفجار خشم خلق در ساختمان نخست وزیری و بهلاکت رسیدن رجایی ، باهنر و تعدادی دیگر از ایادی رژیم
- ۱۳۶۰ - بهلاکت رسیدن امام جمعه جنایتکار تبریز آیت الله مدنی توسط عملیات انتحاری مجاهدین خلق
- ۱۳۶۰ - بهلاکت رساندن قدوسی جنایتکار ، دادستان کل رژیم خمینی

- این کشور
- ۱۹۲۵ - تسلیم زابن و پایان جنگ خانمانسوز دوم
- ۱۹۲۸ - تاسیس جمهوری دمکراتیک خلق کره
- ۱۹۳۰ - بنیانگذاری حزب کمونیست قلمی چین
- ۱۹۶۹ - درگذشت هوشی مین رهبر فقید انقلاب ویتنام
- ۱۹۷۰ - پیروزی سالوادور آلنده در انتخابات شیلی
- ۱۹۷۰ - کشتار مردم فلسطین در اردوگاههای اردن ( سپتامبر سیاه ) توسط رژیم مللک حسین
- ۱۹۷۲ - کودتای امپریالیستی علیه دولت ملی آلمنده توسط پینوشه و بشهادت رسیدن رئیس جمهور شیلی
- ۱۹۷۶ - درگذشت ماشو تسه تنگ رهبر کبیر انقلاب چین
- ۱۹۸۰ - کودتای نظامی در ترکیه و سرکوب گسترده جنبش خلق در این کشور
- ۱۹۸۲ - کشتار وحشیانه خلق فلسطین در " صبرا " و " شیتلا " بدست عوامل ، صهیونیسم و ارتجاع خمینی

- ۱۳۶۰ - بدار آویخته شدن مجاهد قهرمان حبیب الله اسلامی عقیل آبادی در حیاط زندان اوین در مقابل جمعی از زندانیان انقلابی
- ۱۳۶۰ - شهادت مجاهد قهرمان حجت السلام آشوری به اتفاق ۱۰۰ مبارز و مجاهد دیگر
- ۱۳۶۲ - تصویب عضویت سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - پیرو برنامه (هویت) در شورای ملی مقاومت خارجی :
- ۱۸۶۲ - اعلام آزادی بردگان جنوب آمریکا ، توسط ابراهام لینکلن ، رئیس جمهوری فقید آمریکا
- ۱۹۲۵ - قیام مردم سایگون
- ۱۹۶۶ - تاسیس سازمان خلق آفریقای جنوب غربی (سواپو) و روز همبستگی با خلق نامیبیا
- ۱۹۳۹ - شروع جنگ جهانی دوم از سوی فاشیسم هیتلری
- ۱۹۴۵ - اعلام جمهوری دمکراتیک مردم ویتنام در شمال

خلق مسلح و سازمان یافته در ارگانهای توده‌ای شکست ناپذیر است

بوش به تاریخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰، گزارش این بود که ژنرال ریچارد الیس، رئیس وقت فرماندهی هوایی استرالزیلیک، درخواست "نشستی" را با ریگان کرده بود "نظر به درجه و موقعیت او، نمی‌تواند که رسماً خواستار ملاقات بشود، اما اگر روزی ریگان درخواست ملاقات کند، او خوشحال خواهد شد که نشستی با او داشته باشد." ژنرال گفته است که "او می‌خواهد جیمی کارتر را از آب بیرون بیاورد."

این یادداشت توسط ماکس هوگل، که بعداً مدیر عملیات محرمانه سیا شد، به میس داده شد. میس، کیسی، سیکورد، نورث، آیا این چیزی را به یاد شما می‌آورد؟ همه آنها وفاداران پر شور ریگان هستند. همه آنها بخشی از یک فعالیت بمنظور شکست جیمی کارتر در انتخابات ۱۹۸۰ می‌باشند. همه آنها توافقی داشتند که ایران نقطه ضعف کارتر بود. همه آنها بلافاصله پس از پیروزی ریگان به مقامات حساس منصوب شدند. همه آنها دست اندر کار ارسال اسلحه به ایران بودند در زمانی که هیچ امریکایی گروگان نبود.

قسمت دوم - چهارم ژوئن ۱۹۸۷

به قلم کریستوفر هچنز

من نظر دادم که تیم ریگان در سال ۱۹۸۰ ممکن است که قراری با ملاهای تهران گذاشته باشد. آیا به آنها اطمینان داده شد که اگر آنها گروگانها را تا پس از انتخابات نگهدارند، حکومت ریگان پاداش آنها را با تحویل اسلحه خواهد داد؟ این نظر، زمان آزادی گروگانها و ارسال تقریباً بلافاصله اسلحه از اسرائیل به ایران را در زمانیکه هیچ گروگانی وجود نداشت و هیچ "میان رویی" در افق دیده نمی‌شد را توضیح می‌دهد. شواهد بیشتر برای این فرضیه از قرار زیر است.

در دو هفته اول اکتبر ۱۹۸۰، سه نفر از افراد برجسته دارو دسته ریگان با یک فرستاده رژیم خمینی ملاقات کردند. ملاقات در هتل لونگانت پلانزا در واشنگتن صورت پذیرفت. ترتیب آن توسط رابرت ملک فارلن (که در آن زمان برای سناتور جان تاوور کار می‌کرد) داده شد و در آن لارش سیلبرمن هم‌مدیر مسئول گروه مشورتی سیاست خارجی ریگان - بوش شرکت داشت. شخص حاضر دیگر، هم‌مدیر مسئول دیگر ریچارد و آلن بود. آلن که اولین مشاور امنیت ملی ریگان شد، حالا ادعا می‌کند که به ابداحتشایش از آن ملاقات، کم شده‌اند. اما ابوالحسن بنی صدر، که در آن زمان رئیس جمهور ایران بود، می‌گوید که دو آیت الله از طریق واسطه‌ها با تیم ریگان توافق کردند، تحقیر کارتر را با محموله‌های آینده اسلحه معاوضه کردند. بنا بر گفته آلفو نسو چاردی، از روزنامه میامی هرالد، بنی صدر، هاشمی رفسنجانی و محمد بهشتی را نام می‌برد. رفسنجانی از آن زمان به‌مثابه منتخب حکومت ریگان در تمام معاملات اسلحه بوده است.

باربارا هونگر، که بعنوان یک محقق در مبارزات انتخاباتی ریگان کار می‌کرد و بعداً بعنوان تحلیلگر در کاخ سفید کار می‌کرد، می‌گوید، او در سفر انتخاباتی ریگان در آرلینگتون ویرجینیا بود که در بیست و چهارم بیست و پنجم اکتبر ۱۹۸۰، در

در صفحه ۶

## خمینی - ریگان - کنتر

سقوط کرد. هواپیما پر از اسلحه از اسرائیل به ایران بود. مقامات عالی‌رتبه اسرائیلی به اطمینان داده‌اند که دولت آمریکا از معاملات اسلحه‌ای که سقوط این هواپیما آنها بر ملا ساخت با خبر بوده و آنها تأیید می‌کنند. قطعات بدکی و مبعات همه ساخت آمریکا بودند. اما در ژوئیه ۱۹۸۱ هیچ گروگان امریکایی در تهران یا بیروت وجود نداشت.

فرض کنید که آن محموله‌های اسلحه در اولین روزهای رژیم ریگان پرداختی برای گروگانها بودند. فرض کنید که آنها پرداختی برای تاخیر در آزادی گروگانها بودند تا در انتخابات ۱۹۸۰ اثر بگذارد. این بدان معنی است که بین تیم ریگان و آیت اللهها در آخرین ماههای ریاست جمهوری جیمی کارتر قراری گذاشته شده بود: گروگانها را نگهدارید تا ما برنده شویم، و ما پس از روی کار آمدن اسلحه در اختیار شما خواهیم گذاشت.

به ماه مارس ۱۹۸۴ فکر کنید. در آن ماه فاش شد که تیم انتخاباتی ریگان در سال ۱۹۸۰ دفتر یادداشت جیمی کارتر برای مناظره با ریگان را بدست آورده بود. بنا به اظهار دنیادار رابرت گاریک، که مسئول برنامه‌ها و خط مشی برای مبارزه انتخاباتی ریگان بود، این به بررسی متعاقب کننده، به یک تیم ویژه وجود داشت. هدف این بود که از هر نوع تلاش کارتر برای "سورپریز" در اکتبر (پناه پیش از انتخابات ریاست جمهوری) جلوگیری کنند. تنها سورپریز که آنها از آن می‌ترسیدند، آزادی گروگانها توسط ایرانیان (قبل از انتخابات) بود. این واقعه می‌توانست دیپلماسی کارتر را توجیه کرده و احتمالاً دوره دوم ریاست جمهوری را برای او به ارسافان آورد.

رئیس تیم ویژه ویلیام کیسی، که مدیر مبارزه انتخاباتی سال ۱۹۸۰ بود، (که بعداً تا هنگام مرگش در سال ۱۹۸۷، رئیس سیا بود) در پانزدهم ژوئیه ۱۹۸۰ آنها بعنوان "عملیات اطلاعاتی" توصیف کرد. اعضای آن که "افسران نظامی بازنشسته" بودند، چه کسانی بودند؟ در میان آنها، سرلشکر ریچارد سیکورد، که در دهه هفتاد مشغول تعلیم نیروی هوایی شاه بود. سیکورد به کنگره گفت که مایل است به کار دولتی برگردد. در سال ۱۹۸۱ او معاون دستیار وزیر دفاع شد و به اتفاق اولیور نورث مسئول تلاش برای (جلب موافقت کنگره برای) معامله هواپیماهای آواکس با عربستان سعودی شد. ما می‌دانیم که نورث تماشاگر شکست عملیات نجات کویر یک برزیلیکی - کارتر از سرز ایران و ترکیه بود.

کیسی (رئیس سیا) و ادوین میس (دادستان کل) در سال ۱۹۸۴، دائماً اصرار می‌ورزیدند که تیم "سورپریز اکتبر" از افسران "بازنشسته" تشکیل شده بود. اما رابطین آنها به‌هیچوجه بازنشسته نبودند. یکی از اوراق افشاء شده در جریان تحقیق، یادداشتی بود از کمیته انتخاباتی ریگان



نویسنده: کریستوفر هچنز

CHRISTOPHER HITCHENS

## عنوان: گزارش کوتاه

توضیح: مجله نیشن که بیان‌کننده گرایشات لیبرالی در امریکاست، طی سه شماره به ماجرای فروش اسلحه به ایران پرداخته است. این مقالات روشنگر ابعاد رابطه راست‌ترین و ارتجاعی‌ترین جناح‌های امپریالیستی با رژیم خمینی می‌باشند. رابطه ایکه نه در حد فروش اسلحه بلکه بسی فراتر از آن بوده است. عنوان این مقالات "گزارش کوتاه" است و نام "خمینی - ریگان - کنتر" را ما برای آن انتخاب کرده‌ایم.

آنچه در این مقالات جلب توجه می‌کند اینست که دارو دسته ریگان قبل از روی کار آمدن، با سران رژیم در رابطه بوده‌اند و کمک‌های تسلیحاتی امریکا و اسرائیل به رژیم خمینی در شرایطی صورت گرفت که با شروع مقاومت مسلحانه انقلابی، هم رژیم خمینی و هم اپورتونیست‌های ریگاریک "سودهای" صفت اینگونه تبلیغ می‌کردند که گویا امریکا برای سرنگونی رژیم خمینی تلاش می‌کند. مجموعه اطلاعات منتشر شده در ماجرای فروش اسلحه به رژیم خمینی نشان می‌دهد که امریکا و بخصوص دارو دسته ریگان، هیچگاه برای سرنگونی رژیم خمینی تلاش نکرده است، بلکه به اشکال گوناگون و منجمله با کمک تسلیحاتی، به بقا این رژیم ارتجاعی باری رسانده است. ترجمه بخش‌های مهم این سه مقاله را برای اطلاع خوانندگان نبرد خلق چاپ می‌کنیم.

قسمت اول - ۲۰ ژوئن ۱۹۸۷

به هنگام ادای شهادت در مقابل کنگره در چهارم ژوئن، آلبرت حکیم مبادله گروگانها با ایران در پانزدهم گذشته را تعریف کرد و گفت که "هدف اصلی" سرهنگ دوم نورث "در آن زمان پشتیبانی از رئیس جمهور یا جمهوریخواهان در انتخابات بود. او می‌خواست آزادی گروگانها را بدست آورد تا موقعیت رئیس جمهور را بالا ببرد."

این اولین باری نبود که چنین "بلا بردنسی" طراحی شده بود. در بیستم ژانویه ۱۹۸۱ رونالد ریگان عنوان چهل‌مین رئیس جمهور امریکا را یافت. در همان روز، به ابتکار هاشمی رفسنجانی - دیپلمات‌های امریکایی گروگان در تهران آزاد شدند. اگر آنها دو ماه زودتر آزاد شده بودند، به احتمال زیاد ریگان سوگند ریاست جمهوری را ادا نمی‌کرد.

در هجدهم ژوئیه ۱۹۸۱، یک هواپیما از آرژانتینی در خاک شوروی در نزدیکی مرز ترکیه

جنگ محرمانه ریگان در نیکاراگوئه شدند و ویلسون معاون هیات بررسی پنتاگون برای کالید شکاف سی سرسری عملیات چنگال عقاب بود. هیات شواهدی از اهمال را پیدا کرد که حتی آنهایی را که به بسی کفایتی در ارتش عادت کرده‌اند را نیز به حیرت واداشت.

خبرنگاران و دیپلماتهایی که در آوریل ۱۹۸۰ در تهران بودند معتقدند که رژیم خمینی از عملیات نجات در شرف وقوع با اطلاع بود. ملاحظای ایران شکست عملیات کارتر را خواست خدا دانستند اما نگفتند که خدا به آنها خبر داد. ادوین میس در کنفرانسی مطبوعاتی بیست و پنجم نوامبر گذشته خود گفت که ارسال اسلحه از اسرائیل به ایران در گذشته، بدون اجازه قبلی امریکا انجام شده بود. او می‌دانست که این صحبت بخشی از داستان دروغی است که توسط ویلیام کیسی برای پنهان کردن حقیقت ساخته شده بود. از همان ابتدای این قضیه تلاش زیادی برای حذف سوال اصلی شده است. چرا اسلحه در همان اوایل (۱۹۸۱) به ایران می‌رفت، زمانیکه در تهران و با بهررت هیچ (امریکایی) گروگان نبود و هیچ "میانبر"ی بعد از امینی (در ایران) وجود نداشت.

آلفونسو چاردی خبرنگار روزنامه میاسی هرالد در پنجم ژوئیه ۱۹۸۶، افشاگریهای فوق العاده‌ای را در مورد شغل اولیور نورت منتشر ساخت. یکی از آنها " طرح اضطراری" بود که توسط نورت بهمن سالهای ۱۹۸۲ و ۱۹۸۴ بمنظور تعلیق قانون اساسی ( امریکا) و برقراری حکومت نظامی تهیه شده بود. در میان " ضرورت‌هایی" که چنین کودتایی را واجب می‌ساخت، یکی مخالفت عمومی ( مردم امریکا) با عملیات نظامی امریکا در (کشورهای) خارج بود.

\* گلر سیم، جالب و غیر مترقبه

## اختر

اختر

کودک خوش احمد آقای کارگر

اختر

نه مگر

در نیم دهه‌ات واژه‌ای از هستیست

بچون اختر

میسوزاندم

می‌بدم جایی دگر

بسوزم

تا بر فروزم

شعله خشم اختران را

شعل دست کارگران را

اختر خموش

خورشید را بنگر

انقلاب را باور کن

پرچم انقلاب در دستان توست

دنیا از آن توست

زاکاو - پاشیز ۶۴

یادداشت ارائه دهند."

خب، گروگانها درست در موقع مناسب آزاد شدند و اولین محموله اسلحه ماه بعد ارسال شد. شما ممکن است که در حیرت باشید از اینگونه ریگانها توانایی انجام چنین معامله شرم آوری را داشتند. اما شما واقعا حیرت زده نیستید، اینطور نیست؟ اجازه بدهید از بنی صدر، رئیس جمهور سابق بشنوم: " من دقیقا نمی‌دانم که چرا زمانی آزادی گروگانها تا این حد برای دارو دسته ریگان اهمیت داشت. اما به نظر من می‌آید که دستیاران او در تلاش برای آماده ساختن روانی و سمبلیک مردم امریکا برای عصر ریگانیزم بودند." دیدن زمانیکه که این سوالات محتاج به یک داستان ویژه می‌باشند.

قسمت سوم - اول اوت ۱۹۸۷

سرهنگ اولیور نورت، در جریان نمایش مجنون وار خود، خدمتی هشدار آمیز برای دمکراسی انجام داد. او در برابر نمایندگان چالیوس کلنگره گفت که هیچ مرجعی به غیر از کاست اخوت نیروهای شبه نظامی را لایق وفاداری نمی‌داند. افرادی مانند نورت را میتوان در باشگاههای اسلحه، گردهمایی‌های شکم گنده‌ها و ملاقاتهای کاریز ماتیک زیر خیمه‌ها در همه جای دنیا پیدا کرد. او مانند آنها نیست (که در ایتالیا) فریکوس را تشکیل دادند و در فتح رم شرکت کردند. او از آشنایی لازم با فالانژها سوپوزیشن‌ها و مزدوران تمام عیار آنها برخوردار است. شواللی که هر باره چنین نمونه کلاسیک مبتذل وجود دارد اینست: چگونه او مقام دژخیم ویژه برای یک دولت اسما دمکراتیک امنیت آورد؟

پیش از این مطرح کردم که جناح سیاسی نظامی تیم (انتخاباتی) ریگان از قبل از انتخابات ۱۹۸۰ به کار مشغول بود. عملیاتی که این تیم دست اندر کار آن بود، " سورپریز اکتبر" نام داشت. تلاشی هماهنگ برای محروم کردن جیمی کارتر از هر نوع افتخار سیاسی که میتوانست نتیجه آزاد ساختن گروگانها از طریق مذاکره و یا استفاده از زور نظامی باشد. بنا بر شهادت خود آنها، برای رسیدن به این مقصود، شبه نظامیهای ریگان به دو جناح تقسیم شدند. یکی به رهبری ویلیام کیسی (رئیس سابق سیا) و دیگری تحت ریاست ریچارد آلن (مشاور سابق امنیت ملی ریگان) بود. هر دو نفر اینها قرار بود که پس از انتخاب ریگان وارد فرماندهی " امنیت ملی" بشوند (و شدند).

۲۰۰۰ نفر از دوستان و همکاران " متخصص تروریسم" نورت اعلام داشتند که ریچارد آلن بود که استعداد نورت را تشخیص داد و او را به شورای امنیت ملی آورد. جالب توجه است که هم سیکورد و هم نورت در عملیات بی فرجام " کوپر یسک" در آوریل ۱۹۸۰ شرکت داشتند. سیکوره در برنامه‌ریزی نقش نیروی هوایی امریکا در عملیات با نام مسخره چنگال عقاب که با تادم هلیکوپترها با شن خاتمه یافت، همکاری کرده بود. نورت، این شکست را، به دلیلی که هیچکس توضیحی برای آن نداشت، از سرز ایران و ترکیه زیر نظر داشت.

بنا به اظهار ژنرال ساموئل ویلسون، حداقل سه تن از رهبران ماموریت کوپر یسک، دست اندر کار

خمینی - ریگان - کنتررا از صفحه

حدود یازده شب، یکی از کارکنان " مرکز عملیات" هیجان زده گفت: " دیگر مجبور نیستیم که نگران " سورپریز اکتبر" (کارتر) باشیم، دیگه قرار را گذاشته است."، " دیگه" همان ریچارد آلن بود.

یادداشتی با خط آلن به تاریخ دهم اکتبر ۱۹۸۰ در گزارش کمیته تحقیق مجلس نمایندگان امریکا در سرفت اوراق انتخاباتی پریزیدنت کارتر، چاپ شده است. در قسمتی از آن آمده است: " اف سی آی - آزادی بخشی از گروگانها در مقابل قطعات " اف سی آی مخفف فرد. سی. ایکل است که در حال حاضر معاون وزیر دفاع و در آزمون عضو یکی از گروههای اقدام ریگان در مورد " سورپریز اکتبر" بود بر اساس تحقیقات مجلس نمایندگان، دو تیم برای جلوگیری از موفقیت پریزیدنت کارتر در حصول آزادی گروگانها، یعنی " سورپریز اکتبر"، وجود داشتند. اولین آنها شامل ادوین میس، ویلیام کیسی ریچارد ویرتلین، بیت دیلی و آدمیرال رابرت گاریک، این همان گروهی بود که توسط کیسی بعنوان " یک عملیات اطلاعاتی" توصیف شد. تیم دوم توسط آلن تشکیل شد و شامل فردایکله، جان لیمون و آدمیرال توماس مور بود.

میس، کیسی، و جیمز بیکر همگی در مقابل کمیته تحقیق مجلس نمایندگان تأیید کردند که آدمیرال گاریک یک شبکه افغان شاغل و بازنشسته را اداره می‌کرد که کار آنها زیر نظر داشت. پایگاههای امریکا برای با خبر شدن از هر نوع حرکتی بود که می‌توانست مبین یک عملیات نجات باشد، گاریک خود این مساله را تأیید کرد ولی ادعا کرد که نمی‌تواند نام خبر چینان و یا پایگاهها را بیاد آورد. نظر کمیته این بود که ادعای گاریک در مورد بخاطر نیارودن شبکه خود بی اساس است.

بر اساس تحقیقات مجلس نمایندگان، مدارک محرمانه سفارت امریکا در تهران در بابگانی ادوین میس و آنتونی دلان، که در حال حاضر نطق نویسی اصلی ریگان می‌باشد، پیدا شدند. کمیته معتقد بود که: " این مدارک از ایران، پس از اینکه در اختیار ایرانیان قرار گرفتند، بدست آمده‌اند."

یکی از اسناد که در بابگانی میس پیدا شد، دارای یک یادداشت دستنویس الصاق شده مبین بر دریافت آن از طرف ریگان بود که امضا شده بود "ران" ریگان از طریق اف سی آی به کمیته گفت که او " مطمئن نبود که چه کسی اسناد را در اختیار او گذاشته بود. آنجلو کودویلا، یکی از کارکنان ریگانی در کمیته اطلاعاتی سنا، به کمیته مجلس نمایندگان اطلاع داد که به او راجع به ماموران شاغل سیا که برای مبارزه انتخاباتی بوش (در سال ۱۹۸۰) کار میکردند گفته شده بود، دفتر ثبت تلفن ریچارد آلن مورخ سیزدهم اکتبر ۱۹۸۰ چنین می‌گوید: " ۵ آنجلو کودویلا - ۹۳۸۹۷۰۲ - دی آی - گروگانها - همه هفته گذشته به محوطه ( سفارت) برگردانده شدند. حکومت (کاخ سفید) تحریم اطلاعات کرد، تأیید می‌شود."

مطابق گزارش خشد کمیته: " نه آلن و نه کودویلا نتوانستند اطلاعاتی در رابطه با معنی این

هشتمین

سالگرد کشتار قارنا

هشت سال پیش پاسداران ارتجاع قرون وسطایی در ادامه سرکوب خلق کرد ، در یازدهم شهریور با قساوتی کم نظیر جنابیتی بس هولناک آفریدند . آنها ۴۶ نفر زن و مرد ، پیرو جوان روستای قارنا را بطرز فجیعی قتل عام کردند . مزدوران رژیم برای ایجاد رعب و وحشت در کردستان و خفه کردن صدای حقوق طلبانه این خلق محروم با سر نیزه و تبر به جان مردم این روستا افتادند و بدنهای بسیاری را قطعه قطعه نمودند . آری این قتل عام و هزاران جنایت دیگر توسط رژیم جمهوری اسلامی انجام گرفته است . رژیمی که اکنون مدعی دفاع از حقوق خلق کرد ، عراق و ترکیه است .

در هشتمین سالگرد کشتار وحشیانه اهالی روستای قارنا یاد شهدای این جنایت را گرامی میداریم و به خلق قهرمان کرد نوید میدهم که " دور نیست روز انتقام خلق "

روابط رژیم خمینی و امریکا  
در زمینه اقتصادی از صفحه؟

نظامی داشته باشد منع کرده است . اما در عمل شرکتهای امریکایی انواع و اقسام کامپیوتر و وسایل الکترونیکی را به ایران فروخته اند . اینگونه مبادلات مستقیم و غیر مستقیم بازرگانی با امریکا موجب شده است که آن کشور بتواند از نظر اقتصادی و نظامی روی پای خود بایستد . مبادلات بازرگانی متحدان امریکا با ایران به مراتب بیش از مبادلات بازرگانی امریکا با آن کشور است چرا که متحدان امریکا نیاز بیشتری به نفت ایران دارند . ایرانیان نیز از اغتشاش و درهمی و برهمی سیاست بازرگانی امریکا بفرح خود بهره گرفته اند . برای مثال سال گذشته وزارت بازرگانی امریکا موافقت کرد که ایران وسائل مخصوص از شرکت جنرال الکتریک خریداری کند که میتواند با استفاده از آن تطبیقهای ماهواره های سازمان ملی فضایی امریکا دریافت کند . از این تصاویر میتواند در امور کشاورزی ، اکتشاف نفت و دیگر موارد غیر نظامی استفاده کند . مقامات وزارت دفاع امریکا چنین استدلال میکنند که ایران میتواند با استفاده از کامپیوترهای دیگر و تصاویر ماهواره ای به آرایش رزمی عراق و نیروهای امریکایی در خلیج فارس بی برد اما بخش کامپیوتر و وزارت دفاع معتقد است که استفاده استراتژیک از تصاویر ماهواره ای حتی با استفاده از وسائل کامپیوتری که ایران در اختیار دارد بسیار محدود است . پس از آنکه شرکت جنرال الکتریک این وسائل را به ایران فروخت از ازمای اعضای شرکت برای نصب دستگاهها خودداری کرد زیرا این نگرانی وجود داشت که شندروهای ایرانی آنان را به گروگان بگیرند . بنا بر این چند مهندس فرانسوی کار نصب دستگاهها را به پایان رساند . اوایل سال جاری نیز وزارت امور خارجه و وزارت بازرگانی امریکا بطور موقت با

پایگاه "پردان" واقع در منطقه  
پیرانشهر مورد حمله قهرمانانه  
پیشمرگان فدائی - پیرو برنامه  
(هویت) قرار گرفت

هم صیبان مبارز  
خلق قهرمان کرد

در تاریخ یکشنبه ۱۱ مرداد ماه ۶۶ پایگاه جاشهای مزدور منگور در روستای "پردان" واقع در جاده سردشت - پیرانشهر پس از شناسایی لازم مورد تهاجم قهرمانانه پیشمرگان دلیر سازمان - چریکهای فدایی خلق ایران - پیرو برنامه (هویت) قرار گرفت .

عملیات با شلیک اولین موشک آر-پی - جی در ساعت ۸/۱۰ دقیقه بعد از ظهر از چند نقطه بطور همزمان آغاز گشت و به مدت ۲۰ دقیقه پایگاه مزدوران زیر آتش سلاح رزمندگان فدایی قرار گرفت . مزدوران که آمادگی مقابله با حمله پیشمرگان را نداشتند تا مدتی سراسیمه شده و قدرت هر گونه عملیات از آنان سلب شده بود . اما بعد از مدتی بی هدف و دیوانه وار چهار طرف خود را زیر آتش گرفتند .

پیشمرگان فدایی بعد از انجام موفقیت آمیز عملیات ، منطقه را سالم و پیروز ترک گفتند . در این عملیات دشمن ۶ کشته و زخمی بر جای گذاشت که از میان کشته شدگان فقط یک نفر جاش بنام احمد سلیمانی برای پیشمرگان شناسایی شده است . هم چنین در میان زخمیهای دشمن ابراهیم محمدی فرمانده پایگاه "پردان" و عزیز آقا منگور فرمانده جاشهای محور "چکو" به "پردان" دیده می شوند . این عملیات قهرمانانه مورد استقبال وسیع مردم زحمتکش منطقه قرار گرفت ، بخصوص که در همین اواخر این مزدوران وسیع دست به اذیت و آزار اهالی زحمتکش روستاهای منطقه زده بودند . و همین روستای پردان که پایگاه مزدوران در آن واقع است را به آتش کشیده بودند .

هر چه گسترده تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنگونی رژیم خمینی  
پیروز باد مبارزه قهرمانانه خلق کرد برای آزادی و خود مختاری  
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - پیرو برنامه (هویت)

۲۰ مرداد ۱۳۶۶ کمیته کردستان

ایران بگیرد نشانهها حاکیست که آیت الله کهنسال ایران به مقدار کافی به وسائل و تجهیزات امریکایی دست یافته است .

موضوعی غیر اصولی از صفحه؟

درس بگیرند ، باید بیشتاز محکوم نمودن سیاستهای سرکوبگرانه رژیم خمینی و حمایت از مقاومت عادلانه مردم ایران برای صلح و آزادی به رهبری شورای ملی مقاومت باشند . این تنها سیاست اصولی برای کشورهای سوسیالیستی و در رأس آن اتحاد شوروی در رابطه با مردم ایرانست .

فروش وسائل کامپیوتری به ایران بمنظور استفاده در سیستم برق رسانی و سیستم خیر رسانی داخلی موافقت کردند اما بدلالی این معامله انجام نشد . به نوشته وال استریت ژورنال هنوز بین وزارت دفاع و وزارت امور خارجه امریکا در مورد مبادلات بازرگانی بین امریکا و ایران اختلاف نظر وجود دارد . وزارت امور خارجه امریکا با پیشنهاد وایدنرگر وزیر دفاع امریکا مبنی بر تحریم کامل مبادلات بازرگانی علیه ایران مخالف است . این روزنامه در پایان می نویسد حتی اگر پرزیدنت ریگان تصمیم به محدود ساختن بیش از حد مبادلات بازرگانی با

عقب نشینی خمینی از موضع در ماندگی  
از صفحه ۲

که کشتی های کوبت با حمایت رزمناوهای آمریکا در منطقه حرکت می کنند و تا کنون ۹ بار از تنگه هرمز بدون هر گونه حادثه ای گذشته اند، با وجود بمباران کشتی های نفتی رژیم و پایانه های نفتی، با وجود بحران همه جانبه در جامعه، با وجود بن بست نظامی در جبهه ها، با وجود ناراضی های وسیع مردم و آنتی که زیر خاکستر نهفته است و سرانجام با وجود یک مقاومت مسلحانه گسترده، رژیم خمینی که ششما زبان زور را خوب می فهمد و این مسأله را بخصوص در رابطه با وجود کشتیهای جنگی امریکا در خلیج فارس بخوبی نشان داد، مجبور است برای اینکه همه چیز را از دست ندهد، اندکی عقب نشینی کند. اینکه آیا مجموعه شرایط و ظرفیت های رژیم، اجازه یک عقب نشینی جزئی، اما واقعی را به رژیم می دهد یا نه، اینکه آیا عقب نشینی با مانور عقب نشینی حل کننده مسأله است یا نه، به عوامل متعددی بستگی دارد. اما آنچه مسلم است رژیم در نقطه ضعف و در ماندگی، در رابطه با قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، از موضع همیشگی خود عقب نشینی کرده است. اما این عقب نشینی در حد پذیرش آن نرسیده است. مواضع تاکتی رژیم نمی تواند، حل کننده مسأله های باشد، زیرا مسأله جنگ به نقطه ای رسیده است که از نظر بین المللی آتش بس کامل در همه جبهه ها باید مورد قبول رژیم واقع شود، موضع کنونی رژیم، تنها ممکن است در بین اعضای شورای امنیت شکاف ایجاد کند. بخصوص در شرایطی که برای اتحاد شوروی، مسأله حضور گسترده نظامی امریکا در خلیج فارس اهمیت دارد، بعید نیست که شورای امنیت نتواند با سرعت مرحله بعدی کار خود را آغاز کند، اگر چنین شود، برای رژیم یک فرصت کوتاه پیش می آید که بعضی مسائل را بشکل دیگر، اما در جهت استراتژی جنگ طلبانه خود پیش ببرد، در غیر این صورت رژیم باید فشار موجود بر خود را بشکلی پاسخ دهد، راه عوام فریبی و مستضعف پناهی و در نتیجه بسیج نیرو و اقدام نظامی مهم، مدنظر است که برای رژیم بسته شده است وقتی نیرو نبود، راه تعرض، بطور کلی بسته میشود رژیم در این حالت مجبور است از موضع دفاعی، عقب نشینی کند. در شرایط بحران انقلابی، بر بنسختی ناراضی عمیق توده ها، مقاومت انقلابی مسلحانه با اتخاذ سیاست تعرض انقلابی، راه حل واقعی یعنی سرنگونی را به رژیم تحمیل خواهد کرد. آخرین عوارض منفی رژیم خمینی برای مردم ایران و منطقه، حضور قدرتهای خارجی در خلیج فارس است. نیروهای مقاومت تا کنون بهای مبارزه برای استقلال و آزادی را پرداخته اند و بهای این عارضه را نیز هنگامی که ضرورت ایجاب کند و مرحله آن رسیده باشد خواهند پرداخت.

بیاد رفیق صمد بهرنگی



نهم شهریور ۱۳۲۲ خلق ما معلم، نویسنده و فرزند انقلابی خود را از دست داد. صمد از مردم بود برای مردم می نوشت و در قلب آنان جای گرفت. صمد به زبان ساده دردهای اجتماع و بی عدالتی ها را افشا می کرد. او تنها دردها را بازگو نکرد، بلکه هسزمن، با اراده، طریق آنگازگر راهی نوین شد. راهی نو برای پایان دادن به ستم طبقاتی و تبعیض اجتماعی. او تنها راه رهایی را در مبارزه رودر رو با سیستم حاکم دانست. او به ما آموخت که " برای پیروزی کامل بر دشمن خونریز باید چون خود او مسلح شد و از خون ریختن باکی نداشت".

در آن روز تابستان، باز گلپای باغچه پژمردند - چشمهای ستاره بر اشک شد دیگر قایق روی ارس به ساحل باز نخواهد گشت رفت رفیقمان... برنگشت بیایید دریاها را بگردیم و از آن ماهی سیاه اثری بیابیم باید که قصابی خلقمان را بگیریم دیگر قایق روی ارس با ساحل باز نخواهد گشت.....

صمد به " حرکت" معتقد بود، هر چند از " جویباری کوچک" آغاز شود او وجود " دوستان نیمه راه" را گوشزد کرد، همانهایی که برای نجات خود دست بدامن " مرغ سقا" میشوند. او اتحاد را نیاز حرکت انقلابی میدانست، چرا که تنها با اتحاد میتوان " نور ماهگیر" را در برد. او بما آموخت " زندگی با مرگمان" در راستای خلق باشد. یادش جاودان و راهش پر رهرو باد.



در شهادت مهدی رضایی

سرود ابراهیم در آتش

احمد شاملو

غم تنهایی بود.

چاه، اسفندپار مغموم!  
ترا آن به که چشم  
مور پوشیده باشی!

چاه آیا نه  
یکی نه

بسته بود

که سرنوشت مرا بسازد؟

من  
تنها فریاد زدم  
نه!

من از  
فرورفتن  
تن زدم

صدایی بودم من  
- شکلی میان اشکال -  
و معنایی بافتم

من بودم  
و شدم  
نه ران گونه که عنجهیی

گلی

یا ریشهیی  
که جوانهیی

یا یکی دانه  
که جنگلی -

راست بدان گونه  
که عامی مردی

شهیدی  
تا آسمان بر او ساز بود.

در آواز خونین گریه و میش  
دیگر گونه مردی آنک،  
که خاک را سیر می خواست  
و عشق را شایسته زیباترین زبان -  
که اینش  
به نظر

هدیهی نه چنان کم بها بود  
که خاک و سنگ را بنشاید.

چه مردی! چه مردی!  
که می گفت

قلب را شایسته تر آن  
که به هفت شمیر عشق

در خون نشیند  
و گلو را نایسته تر آن

که زیباترین نامها را  
بگوید.

و شیرآهنکوه مردی از این گونه عاشق  
میدان خونین سرنوشت

با پاشنده اشیل  
در نوشت -

روشنه تنی  
که راز مرگش

اندوه عشق و

من بینوا بندگی سربراه  
نبودم

و راه بهشت میبوی من  
بُز رو طوع و خاکاری  
نبود.

مرا دیگرگونه خدایی میبایست  
شایسته آفرینشی  
که نواله ناگزیر را

کردن

کج نمی کند.

و خدایی  
دیگر گونه  
آفریدم.

دریغا شیرآهنکوه مرده  
که تو بودی.

و کوهوار  
پیش از آن که به خاک افتی  
ستوه و استوار

مرده بودی.  
اما نه خدا و نه شیطان -

سرنوشت ترا  
بنتی رقم زد

که دیگران  
می پرستیدند

بنتی که

دیگرانش  
می پرستیدند.

\*

در تکلیف روتوزیع  
آثار سازمان  
بکوشید



### محکومیت قاطع رژیم خمینی در قطعنامه ۲۱ کشور عضو جامعه عرب

در تاریخ ۲ شهریور ماه جاری ، ۲۱ کشور عضو جامعه عرب ، طی یک قطعنامه ، سیاست جنگ طلبانه رژیم خمینی را محکوم نمودند . کشورهای عضو جامعه عرب از قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت ملل متحد حمایت نموده و خواستار پاسخ صریح رژیم خمینی به این قطعنامه تا تاریخ ۲۰ سپتامبر امسال شدند . جالب توجه است که به این قطعنامه کشورهای سوریه ، لیبی و الجزایر هم که عموماً از رژیم خونخوار و جنگ طلب خمینی حمایت می‌کردند رای مثبت دادند .

#### قطعنامه اجلاس فوق العاده کنفرانس جامعه عرب

- ۱- شورای جامعه کشورهای عربی که در سطح وزرای خارجه ، اجلاس فوق العاده‌ای در روزهای ۲۸ تا ۳۰ ذی‌الحجه ۱۴۰۷ هجری مطابق با ۲۳ تا ۲۵ اوت ۱۹۸۷ میلادی در شهر تونس برگزار نمود ، ضمن آنکه نسبت به ادامه جنگ عراق و ایران به علت ندادن پاسخ مثبت از طرف ایران به اقدامات صلح‌جویانه عربی و بین‌المللی و قطعنامه‌های صادره از سازمان‌های بین‌المللی ، نهایت تکرانی و اندوه را احساس می‌کند ؛
- ۲- ضمن آنکه نسبت به ادامه این جنگ که حاکمیت یک کشور عضو جامعه کشورهای عربی و حمایت ارضی آنرا بر خلاف قوانین بین‌المللی و اصول منشور ملل متحد و مصوبات و قطعنامه‌های آن هدف قرارداده و اکنون به مرحله‌ی تهدید گسترش عملیات خود و به مرحله‌ی در خطرانداختن حاکمیت و امنیت دیگر کشورهای عضو رسیده است ؛ و با ایمان به اینکه ادامه این جنگ منطقه را در معرض خطرات دخالت خارجی قرار می‌دهد و آنرا به عرصه‌ی شهاد و درگیری و قطب‌بندی بین‌المللی می‌کشاند که برای امنیت و تمامیت کشورهای این منطقه زیان‌بخش بوده و عامل تشنجی است که صلح و امنیت بین‌المللی را تهدید می‌کند ؛
- ۳- ضمن آنکه موقعیت محوری را که جنگ عراق و ایران در گانوی توجیهات اعراب اشغال گردماست به این علت که ادامه آن و احتمال گسترش آن از خطرات بزرگ علیه اعراب و مسائل سرنوشته ساز آنها می‌باشد ، مورد تأکید قرار می‌دهد ؛
- ۴- و با اعتقاد به اینکه ادامه این جنگ ، عامل همه‌ی این تحولات و خطرات می‌باشد ، و با یادآوری اینکه جامعه [عرب] اشغال هر قسمت از خاک عراق توسط ایران را قاطعانه رد می‌کند ؛
- ۵- و با تأکید بر قرارداد قطعنامه‌های شورای امنیت در مورد جنگ بویژه قطعنامه ۵۹۸ (۱۹۸۷) و عدم امکان اجرای آن به علت خودداری ایران از پیروی و عمل به مواد آن ؛
- ۶- و با خاطرنشان ساختن مخالفت ایران با تمام تلاشها ، طرح‌ها و اقدامات و قطعنامه‌های بین‌المللی بمنظور ایجاد راه حلی مسالمت‌آمیز ، عادلانه و شرافتمندانه برای این مناقشه که حقوق مشروع هر دو طرف بر برابری روابط حسن همجواری بین آن دو را جهت ایجاد امنیت و ثبات در منطقه که به سود اعراب و جهان اسلام است تضمین کند ؛
- ۷- ضمن آنکه نهایت تکرانی خود از خطرات ناشی از تهدیدات ایران علیه کشورهای عربی بویژه عربستان سعودی و کویت را ابراز می‌کند ؛
- ۸- و ضمن آنکه دخالت مداوم در امور داخلی کشورهای خلیج [فارس] و سایر کشورهای عربی را محکوم می‌کند ؛
- ۹- و با ایمان به ضرورت بکار بردن همه‌ی نیروها و انرژی‌های عربی و اسلامی در جهت مقابله با دشمن مشترک صهیونیستی ؛
- ۱۰- و ضمن اعلام مواضع مثبتی بر بگی‌دانستن امنیت ملی اعراب و مبین بزرگ آنها و اینکه امنیت کشورهای خلیج [فارس] جزئی جدایی‌ناپذیر از امنیت ملی عربی است ؛
- ۱۱- همبستگی خود با عراق در دفاع مشروع از حاکمیت و حرمت خاک و تمامیت ارضی‌اش و تلاش آن در جهت صلح همجانبه و عادلانه را مورد تأکید قرار می‌دهد و مخالفت قاطع خود با اشغال هر قسمت از

- ۱- خاک عراق توسط ایران را تکرار می‌کند .
- ۲- ایستادگی قاطع کشورهای عربی علیه هر تهدیدی که امنیت ، حاکمیت و حرمت کشورهای عربی را بمسافره افکند و همبستگی آنها با این کشورها در حفظ حاکمیت و استقلالشان را اعلام می‌کند و تهدیدات ایران علیه برخی از کشورهای عضو و بویژه عربستان سعودی و کویت را محکوم می‌نماید .
- ۳- به تضمین آزادی کشمیرانی در آب‌های بین‌المللی خلیج [فارس] ، طبق قوانین بین‌المللی فراهانده و مین‌کاری در این آبها را محکوم می‌کند .
- ۴- اعمال خرابکارانه و ایجاد آشوب توسط اهادی رژیم خمینی در ایام حج سال ۱۴۰۷ هجری را که حرمت اماکن مقدس و مناسک حج و آداب آن و امنیت و سلامت حجاج بیت‌الله‌الحرام را شکست ، بشدت محکوم می‌کند .
- ۵- همبستگی خود با عربستان سعودی و حمایت کامل خود از اقدامات و تدابیری که آن کشور برای ایجاد فضای مناسب جهت انجام شعائر توسط حجاج بیت‌الله‌الحرام در امنیت و آرامش و جلوگیری از هرگونه زیر پا نهادن حرمت خانگی خدا و احساسات مسلمین اتخاذ می‌کند را مورد تأکید قرار داده و هرگونه عمل آشوبگرانه در اماکن مقدسه را که به امنیت و حاکمیت عربستان سعودی لطمه بزند را رد می‌کند .
- ۶- سیاست خرابکاری و اعمالی که به امنیت داخلی زبان رسانده و نیز سیاست دخالت در امور داخلی کشورهای عربی را محکوم می‌کند .
- ۷- ایران را به قبول درخواست صلح و قبول حل مناقشه از راه‌های مسالمت‌آمیز طبق منشور ملل متحد و قوانین بین‌المللی و براساس قطعنامه‌ی شماره ۵۹۸ شورای امنیت که در تاریخ ۲۰ ژوئیه/۱۹۸۷ صادر شد قرامی خواند .
- ۸- همچنین از شورای امنیت می‌خواهد که در اتخاذ تدابیر و اقداماتی که طبق اصول مربوطه منشور ملل متحد ، ضامن اجرا و عمل به قطعنامه‌ی مذکور باشد ، شتاب ورزد .
- ۹- پشتیبانی خود از دولت کویت در اتخاذ تدابیر و اقداماتی برای محافظت از امنیت و تمامیت ارضی و حفظ منافع تجاری و اقتصادی‌اش را ابراز می‌دارد .
- ۱۰- نفس حرمت سفارتخانه‌های عربستان سعودی و کویت و مصونیت اعضای آنها توسط رژیم خمینی که نفس خطرناک قوانین و اصول رفتار بین‌المللی که روابط دیپلماتیک بین کشورهای جهان را تنظیم می‌کند ، بشمار می‌رود را تلبیح می‌کند .
- ۱۱- با استناد به قطعنامه‌های پیشین شورای جامعه عرب و قطعنامه‌های پیشین کنفرانس‌های سران عرب مقرر می‌دارد که اجلاس فوق‌العاده‌ی کنونی همچنان باز بماند تا اینکه با مشورت بین رئیس شورا ، دبیرکل و کشورهای عضو ، حداکثر تا ۲۰/سپتامبر/۱۹۸۷ مجدداً برگزار شود تا تعیین چگونگی روابط آینده‌ی اعراب و ایران با توجه به موضع ایران در قبال ادامه جنگ علیه عراق و تهدیدات آن علیه کشورهای خلیج [فارس] مورد بررسی قرار گیرد .
- ۱۲- شورا ، رئیس اجلاس و دبیرکل را به انجام مشورت‌هایی در مورد امکان برگزاری کنفرانس سران عرب و ارائه گزارشی در مورد آن به نشست مجدد این اجلاس فوق‌العاده ، مکلف می‌سازد .

### روابط رژیم خمینی و امریکا

#### در زمینه اقتصادی

رادیو امریکا در برنامه شانگهای روز ۱۳ شهریور امسال ، مقاله‌ای از روزنامه وال استریت ژورنال پخش نمود که در آن به روابط اقتصادی رژیم خمینی و امریکا اشاره میشود . گر چه در این مقاله تماسی این روابط بازگو نمی‌شود ، اما در همین حد نیز افشاء کننده این امر است که روابط رژیم با امریکا ، در زمینه اقتصادی هم همواره تداوم داشته است . برای اطلاع خوانندگان نبرد خلق ، این گزارش رادیو امریکا را چاپ میکنیم :

\*\*\*

روزنامه وال استریت ژورنال طی مقاله‌ای بنقل از وزارت بازرگانی امریکا می‌نویسد : سال گذشته ایالات متحده معادل ۴۶۸ میلیون و ۲۰۰ هزار دلار نفت از ایران خریداری کرد . علاوه بر این ۵۱ میلیون و ۷۰۰ هزار دلار فروش ایرانی و معادل ۱۴ میلیون و ۱۰۰ هزار دلار پسته از ایران بسمه امریکا صادر شد . در ۵ ماه نخست سال جاری امریکا روزانه ۴۵ هزار بشکه نفت از ایران خریداری کرد که بزبان ارقام آن ۱ میلیارد دلار در روز میشود . این ارقام بدون احتساب ۱۴۶ هزار بشکه نفت خامی است که از ایران بمنظور پالایش بیا لابشگاههای ویرجین حمل میشود . جمع‌کل واردات امریکا از ایران در ۶ ماه نخست سال ۱۹۸۷ معادل ۵۶۷ میلیون دلار بوده است . مقررات وزارت امور خارجه و وزارت بازرگانی امریکا قاطعاً شرکت‌های امریکایی را از فروش بعضی کالاها از جمله کامپیوتر و وسایل الکترونیکی که میتواند منسارف

در صفحه ۷

### موضوعی غیر اصولی

بنیالانتشار نامه ۵۲ نفر از نمایندگان کنگره امریکا ، در ۲۷ مرداد امسال ، که در آن ضمن محکوم نمودن سیاستهای رژیم خمینی ، خواستار حمایت دولت امریکا از مقاومت عادلانه مردم ایران شدند ، خبرگزاری رسمی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی (تاس) ، ضمن یک تفسیر نابخردانه در تاریخ ۲۸ مرداد امسال ، به تکرار اشتباهات گذشته پرداخت . ظاهراً هنوز رهبران اتحاد شوروی از اشتباهات خود پیرامون حکومت دکتر محمد مصدق و حکومت ارتجاعی خمینی درس نیاموخته‌اند و انتظار دارند که تنها خودشان

و اینگونه کج اندیشی‌ها ، خواستار تصحیح اینگونه مواضع انحرافی هستیم . اگر اتحاد شوروی به مسائل ایران کاملاً از زاویه منافع خود ، نگاه می‌کند ، رهبری مقاومت عادلانه مردم ایران اساساً منافع و مصالح استقلال طلبانه و آزادیخواهانه مردم ایران را مد نظر قرار می‌دهد ، از همین زاویه هنگامی که اتحاد شوروی و اجزایی مثل حزب توده ، رژیم خمینی را " عمیقاً ضد امپریالیست " می‌دانستند ، مقاومت عادلانه و انقلابی مردم ایران ، با اتخاذ سیاست مبارزه مسلحانه انقلابی در ضد سرنگونی آن برآمد . تجربه ۷ سال گذشته نشان داد که چه کسانی راه درست را انتخاب کردند . اگر اکنون کشورهای سوسیالیستی می‌خواهند از تجربیات گذشته واقعا

وارد مداخلات جهانی شوند و حتی اگر منافع ایران هم مطرح باشد ، مقاومت ایران ، نقش انقلابی خود را بازی نکنند ، خبرگزاری تاس در تفسیر خود مدعی می‌شود که این نامه دلیل آنست که امریکا می‌خواهد " در دراز مدت " ، سیاستمداران باب طبع خود را بسر کار آورد . اینکه سیاست امریکا در رابطه با ایران چیست ، مسلماً از دید مقاومت عادلانه مردم ایران پنهان نیست . اما اینکه خبرگزاری تاس در رابطه با نامه ۵۲ نفر نمایندگان کنگره ، این نتیجه را می‌گیرد ، به معنی اینست که از نظر این خبرگزاری نمایندگان مقاومت انقلابی و عادلانه مردم ایران ، " سیاستمداران باب طبع " امریکا هستند . ما ضمن محکوم نمودن این موضع غیر اصولی

در صفحه ۷

# اخاذی بیشتر برای سرکوب شدیدتر

ایروانی وزیر امور اقتصادی و دارایی رژیم خمینی روز جمعه ۶۶/۴/۱۲ در مراسم نماز جمعه تهران طی سخنانی بمناسبت هفته مالیات و بهبود فرهنگ مالیاتی به تشریح چگونگی فلسفه حصول مالیات و چگونگی هزینه‌های دولت از محل مالیاتهای اخذ شده پرداخت و گفت: " برای تأمین هزینه‌های جاری کشور چندین راه وجود دارد که از جمله آنها استفاده از اموال و ثروت‌های خدادادی، اراضی خدمات دولتی و با استقرار از معالک خارجی است. وزیر خاثن امور اقتصادی و دارایی رژیم پس از یکسری تعریف و تمجید از رژیم بخاطر اینکه از دولتهای خارجی وام نگرفته است بلافاصله نوبت تیز حمله را متوجه مردم کرد و گفت: " بنا بر این صالح ترین راه تأمین هزینه‌های جاری کشور راه حصول مالیات صحیح از درآمدهای مردم است. " وی در قسمت دیگری از سخنان خود گفت: " مناسفانه در رژیم گذشته بلحاظ صدور بی رویه نفت و عدم توجه به مالیات، رقم حصول مالیات ۱۹ در صد بود و در حال حاضر میزان آن به ۲۲ در صد رسیده که با توجه به ظرفیت موجود این رقم بسیار اندک است. " تا اینجا نسبتاً از موضع وزیر امور اقتصادی و دارایی رژیم آگاه شدیم. حال بد نیست که ببینیم که این صالح ترین راه که توده‌ها هستند چگونه مورد استفاده قرار می‌گیرند و چگونه کمر توده‌ها در زیر اذنیهای وحشتناک رژیم خمینی تا شده است. بطور مثال: رژیم خمینی چندی پیش ممنوعیت خروج نوجوانان ۱۳ تا ۱۶ ساله از کشور را اعلام کرد. اما اداره نظام وظیفه کشور اعلام کرد با دریافت ۲۵۰ هزار تومان "رشوه" به افرادی که خواهان خروج از کشور باشند اجازه خروج می‌دهند. با دادن شیر خشک به کودکان از طریق والدین آنها. در همین رابطه توزیع شیر خشک به بانکها واگذار شده است و بانکها در ازای اینکار مبلغ یکمصد ریال نیز از مردم اخاذی میکنند. یا دادن کیسه‌هایی به دانش آموزان در مدارس که بر روی کیسه آرم سپاه زده شده است و احتیاجاتی که مورد نیاز است، لیست آن روی کیسه نوشته شده است. اینها بخش کوچکی از اخاذی ایدای رژیم خمینی است. ایروانی مزدور همانطور که قبلاً اشاره کردیم گفته بود که در صد مالیات ۱۹ در صد در دوران شاه با مالیات ۲۲ در صد با این ظرفیت بسیار اندک است. بد نیست به آماری که در همین رابطه توسط وزارت دارایی رژیم انتشار یافته نظری بیافکنیم. " در ۹ ماهه اول سال جاری (۶۵) مبلغ چهارصدو ده میلیارد ریال مستقیماً از مردم مالیات گرفته شده است. " در این بیان همچنین آمده است که: در ۹ ماهه اول سال جاری میزان مالیاتهایی که از کارکنان دولت وصول شده ۲۲ در صد بیشتر از مالیاتهایی است که در سه ماه سال گذشته (۶۴) دریافت شده است. توجه میکنید که رژیم ضد خلقی خمینی چگونه توده‌های محروم و کارمندان دولت را به خاک سپاه می‌نشاند. جالب توجه اینکه ایروانی خاثن روز شنبه ۶۶/۴/۱۳ طی مصاحبه‌ای اعلام کرد که: " با توجه کارمندان

# لاف در غربی بی

**میلیون و لیبرال‌ها خطری که همه را نگران کرده است.**

آنچه در جریان فرمایشات از دست می‌آید، در واقع همان عمل گناه فرشته است. در ۶۶ خرداد ۶۵، آن روز که رژیم به تلمتانه حمله کرد و از آزادی و حاکمیت ملت ایران خلع کرده است. این سرشت انقلاب و وحشت لیبرال‌ها از تشریح به سبب خلق ارگشان سازمان بزرگ برای خنثی سازی پیرو

برنامه هزمت گرفته شده است. متأسفانه که محدودیت صفحات جبهه اجازه نمی‌دهد و الا می‌توانیم هم این اقدامات را و هم نظر دیگر وابستگان و ورشکستگان مانند جماعتین و حزب توده و شاهنشاهی ما را هم در این ارتباط نقل می‌کردیم تا خوانندگان متوجه بشوند که گویا تشکل ملون در عراق و تشکیل و فعالیت چشمگیر جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران نه فقط آزادی و دیگر کرده است، بلکه حضرت گراد آسده پتارویک نتوانست اندر حثت خود را مهار کند و یک صدا و با حملات پیکو است. به ملون پرورش آوردند. آنها این دلیل مشروعبیت و حقانیت عنوانه های ملیون ایران نیستند؟

مطلبی که در بالا چاپ شده از نشریه "جبهه" وابسته به یکی از عناصر استعمار و ارتجاع است. در باره یاره سرائیهای این "جبهه" ضد ملی و ضد مردمی بیرامون مقاله مندرج در نبرد خلق تحت عنوان " پیشرفت انقلاب و وحشت لیبرال‌ها " ذکر نکاتی ضروری است.

۱- اگر افتخار حزبانات سازشکار و پرداختن به انحرافات آنان از نظر "جبهه" دلیل "مشروعیت و حقانیت" است، پس رژیم خمینی که تمام دنیا بدان حمله میکنند و آنرا افشاء میکنند، حتماً از نظر نویسنده قلم به مزد "جبهه" بسیار "مشروعیت

وزارت امور رفاهی و دارایی در نحوه حصول مالیات سعی شده مالیات جایگاه حقیقی خودش را در جامعه پیدا کند. " پس دیدیم که فعلاً اخاذی از توده‌های محروم، کارمندان دولتی و کارگران چگونه بطور وحشتناکی ادامه دارد و این مزدور مدعی است که مالیات هنوز جایگاه حقیقی خودش را در جامعه پیدا نکرده است. بیجهت نیست که زنجایی مزدور وزیر برنامه و بودجه رژیم نسبت به اخاذی ۴۰ میلیارد تومان مالیات ظالمانه از صاحبان تاغل و کسبه زحمتکش ایران ناخورسندی می‌کند. اما بد نیست ببینیم که در این رابطه چه فشاری بر روی کارگران در ایران وارد می‌آید. به گزارش منابع موثق کارگزاران رژیم ضد خلقی خمینی در معادن ذغال سنگ زرنند کرمان هر ماه مبلغ ۵۰۰ هزار تومان از کارگران این معادن اخاذی میکنند. در همین رابطه نماینده مردم زرنند کرمان در مجلس اعتراف کرد که: از آغاز جنگ ویرانگر ایران و عراق تا کنون مبلغ یکمصدو چهل میلیون تومان از کارگران معادن زغال سنگ اخاذی شده است. باز در اصفهان مزدوران اداره کل معادن و فلزات این استان مبلغ یازده میلیون و یکمصد هزار ریال از کارگران محروم این معادن تحت عنوان کمک به جبهه‌های جنگ اخاذی و غارت کرده‌اند. البته این بخش بسیار ناچیزی از سیاستهای خائنانه برانداز خمینی در

و حقانیت" دارد و لابد "جبهه" بدان جهت به رژیم خمینی حمله نمی‌کند و آنرا افشاء نمی‌کند و نساژه تملق آنرا هم می‌گوید که می‌خواهد برای بیشتر "مشروعیت و حقانیت" از نوع "جبهه" می‌زدیکتر سیا ایجاد نکند. و حتماً کرده‌اند "جبهه" بدان جهت از طریق تیمسار سرکوبگر، مدعی از "سیا" پول می‌گرفته که "سیا" بعلت اینکه همه مردم آزاده عدالت دوست و شریف جهان آنرا مورد حمله قرار می‌دهند، " مشروعیت و حقانیت" دارد.

۲- قلم به مزد "جبهه" در مورد فعالیت‌های محافظه کارانه "لیبرال‌ها" که بر طبق قانون اساسی رژیم خمینی صورت می‌گیرد، به لاف و گسزاف پرداخته و مدعی شده است که چشمک و چراغ زمین ضد ملیون خارجه نشین به رژیم خمینی، بر ما "گران" آمده و فعالیت‌های استعماری و ارتجاعی این آقایان آنقدر " عظمت" دارد که ما نتوانستیم "وحشت خود را مهار" کنیم. ظاهراً نویسنده فرومایه "جبهه" فراموش کرده است که انقلابیون ایران در اوج قدرت " لیبرال‌ها" و هنگامی که جنگی آقایان دولت " امام خمینی" را تشکیل می‌دادند و..... برایشان " تره خورد" نمی‌کردند، چه رسد به حالا که جنگی این به اصطلاح "میان" ها از سر درماندگی و استیصال برای نزدیک شدن به خمینی و از طرف دیگر به امریکا با هم سابقه گذاشته‌اند، تا جایی که همین "جبهه" ضد ملی، از سیاست توسعه طلبانه و اشتغالگرانه رژیم خمینی حمایت نموده و اشغال شهرک "ماوت" در خاخذ کردستان عراق را به رژیم خمینی و پاسداران و اوباشان آن تبریک می‌گوید. حقا که این بار ما نمی‌توانیم نفرت خود را از اقدامات ضد ملی و ضد مردمی شما "جبهه" نویسان پنهان کنیم.

قبال کارگران است. حال با توجه به میزان اخاذی از توده‌های محروم، کارگران و تمامی اقشار جامعه بد نیست نگاهی به بیان وضعیت مالی نهادهای سرکوبگر رژیم از زبان خود آنها ببینیم. زنجایی وزیر خاثن برنامه و بودجه فاش ساخت که: رژیم در سال ۵۸ مبلغ ۲ میلیارد تومان به نهاد‌های سرکوبگر کمک کرد. اما این میزان در سال ۶۶ به ۲۲ میلیارد تومان افزایش یافته است. یعنی میزان بودجه نهاد‌های سرکوبگر رژیم ۱۱ برابر شده است. در اینجا باید گفت که: این همه اخاذی و فشار کمتر شکن بر توده‌های ستم‌دیده و تمام اقشار جامعه ایران چیزی جز در خدمت اختناق بیشتر و ادامه جنگ و سرکوب بیشتر نیروهای انقلابی نیست. رژیم خمینی تمام منابع ملی و ثروت‌های اجتماعی را در خدمت جنگ قرار داده است. و امسال نیز در تنظیم بودجه کشور " اولویت" با جنگ می‌باشد. از آنجا که درآمدهای ارزی رژیم نمیتواند پاسخگوی نیازهای جنگ و سرکوب گردد پس فشار همه جانبه بر مردم و غارت و چپاول آنها به شکل اخذ مالیات‌های گوناگون هر روز دامنه دارتر میشود و در این میان کارگران ایران اولین قربانیان هستند.



## ست سال قبل از صفحه ۱۲

بعد از تحلیل کامل موقعیت در امریکای لاتین روشن کردن مسائل ایدئولوژیک عمده جنبش انقلابی کنفرانس به این نتایج رسید: در امریکای لاتین یک موقعیت انفجاری وجود دارد و خملت مشخصه آن ضعف بورژوازی است، بورژوازی که پیوند ناگسستی با زمین داشته و الیگارشی سلطه کشورهای مسا را تشکیل می‌دهد، تسلیم رو به ازدیاد وابستگی تقریباً مطلق این الیگارشی به امپریالیسم منجر به قطبی شدن شدید نیروها در قاره شده است. از یکطرف اتحاد الیگارشی - امپریالیسم و از طرف دیگر خلقها پتانسیل انقلابی توده‌ها در انتظار چیزی جز هدایت و کانالیزه شدن بوسیله یک رهبری پیگیر، پیشاهنگ انقلابی، جهت آغاز و با توسعه مبارزه نیست.

این پتانسیل متشکل از توده‌های کارگر کارگران شهری و کارگران کشاورزی، توده دهقان فقیر و تحت استثمار شدید، روشنفکران جوان، دانشجویان که پشت سر خود سابقه مبارزه‌ای درخشان دارند و اقشار متوسط است. همه و همه در این مقطع که تحت تسلط و استثمار هستند متحد شده‌اند.

در برابر بحران ساختی سیستم اقتصادی، اجتماعی و سیاسی قاره و در برابر غورش‌های روزافزون توده‌ها، امپریالیسم مبادرت به تشکیل و توسعه استراتژی سرکوب در سطح قاره که بهیچوجه میکوشد حرکت تاریخ را متوقف کند، نموده است.

تداوم سلطه سیستم استثمار کننده و نوسان امپریالیسم امریکای شمالی است. در این وضعیت در مقابل فیر ارتجاعی دست زدن به قهر انقلابی و گسترش آن غیر قابل اجتناب و ضروری است.

قهر انقلابی بعنوان شکل عالی مبارزه توده‌ها نه تنها صحیح‌ترین راه مبارزه است بلکه راهی است که بیشترین امکان مشخص عملی را برای قلبه سر امپریالیسم در بر دارد. در مقابل این حقیقت توده‌ها و انقلابیون لزوم یک جنبش مسلحانه علیه دستگاه بوروکراتیک نظامی و الیگارشی و قدرت امپریالیسم را تا وصول نتایج نهایی در می‌یابند.

در بسیاری از کشورها شرایط خاص جغرافیایی مساعد و یک پایگاه اجتماعی دارای پتانسیل انقلابی از یکطرف و ضعف ارتش حرفه‌ای برای سرکوب جنبش‌های خلقی در شهرها و جنگ نامنظم از سوی دیگر دست بدست هم داده برای اینکه جنگ چریکی بعنوان عالی‌ترین شکل جنگ مسلحانه و بهترین مکتب انقلابیون و پیشاهنگ در آید.

هم اکنون انقلاب در برخی از کشورها در حال جریان است، در برخی دیگر ضرورت فوری و در بعضی دیگر بعنوان چشم انداز آینده وجود دارد. هدف‌های این مبارزه علیه الیگارشی دارای یک هویت کاملاً ضد امپریالیستی است.

اولین هدف مبارزه انقلابی توده‌ها در قاره به دست گرفتن قدرت است که رسیدن به آن از راه انهدام ماشین اداری و نظامی دولت و جایگزینی آن بوسیله ارتش خلقی برای عموش کردن سیستم اجتماعی و اقتصادی حاکم است و تنها راه رسیدن به این هدف مبارزه مسلحانه می‌باشد.

توسعه و سازماندهی مبارزه بستگی مستقیم به انتخاب درست، محل مساعد جهت تبلیغ شکل این مبارزه با سازماندهی آن دارد. درس‌های انقلاب کوبا و تجارب بدست آمده از دیگر جنبش‌های انقلابی جهان در سالهای اخیر و حضور یک جنبش انقلابی مسلحانه سهم و روزافزون در کشورهای بولیوی، ونزوئلا، کلمبیا و گواتمالا ثابت می‌کند که جنگ چریکی بعنوان اصل‌ترین شکل مبارزه مسلحانه توده‌ای، معتبرترین و موثرترین متد و کامل‌ترین فرم برای پیش بردن و توسعه مبارزه انقلابی در غالب کشورهای ما و در نتیجه در مقیاس قاره‌ای است. در این موقعیت خاص، وحدت خلقها، اشتراک و یگانگی معیارها و قاطعیت هر یک از کشورها برای پیش بردن مبارزه‌ای جمعی، اساس استراتژی امپریالیسم، که در سطح قاره عمل میکند، است. استراتژی فسوق خواهان یک تعاون و همبستگی بدون ادغام است که مفیدترین تظاهر آن مبارزه انقلابی در سطح قاره بوسیله پیشتاز انقلابی و ارتش آزادی بخش است.

ما نمایندگان خلق‌های امریکای لاتین با آگاهی نسبت به شرایط امروز قاره و با شناخت استراتژی ضد انقلابی مشترک هدایت شده به وسیله امپریالیسم امریکا اعلام میداریم که:

۱- انجام انقلاب حق و وظیفه خلق‌های امریکای لاتین است.

۲- انقلاب در امریکای لاتین دارای ریشه‌های عمیق تاریخی در جنبش‌های آزادیبخش علیه استثمار اروپایی در قرن گذشته و علیه امپریالیسم می‌باشد و حماسه خلق امریکای لاتین و همچنین مبارزات بزرگ طبقاتی علیه امپریالیسم از جمله‌های پیش پایه‌گذار مبدا تاریخی جنبشهای انقلابی قاره می‌باشد.

۳- انقلاب در امریکای لاتین قبل از هر چیز مبارزه علیه امپریالیسم و الیگارشی بورژوازی و مالکیت ارضی می‌باشد، بنا بر این انقلاب بوسیله مبارزه برای استقلال ملی و آزادی در برابر الیگارشی و برقراری سوسیالیسم جهت تأمین پیشرفت کامل اقتصادی و اجتماعی مشخص میشود.

۴- اصل مارکسیسم - لنینیسم راهنمای جنبش انقلابی در امریکای لاتین است.

۵- مبارزه انقلابی مسلحانه تشکیل دهنده خط اصلی انقلاب در امریکای لاتین است.

۶- تمام اشکال دیگر مبارزه باید در خدمت و نه در به عقب انداختن توسعه شکل اصلی، که همان مبارزه مسلحانه است، باشند.

۷- برای اکثریت کشورهای قاره مسئله سازماندهی پیشبرد، توسعه و به پایان رساندن مبارزه مسلحانه وظیفه مبرم و فوری جنبش انقلابی است.

۸- خلق‌هایی که این وظیفه را بعنوان وظیفه فوری نمی‌توانند در دستور قرار دهند، باید بهر حال این شکل مبارزه را بعنوان یک چشم انداز حتی بسزای توسعه مبارزه انقلابی در کشورشان در نظر گیرند.

۹- مسئولیت تاریخی پیشبرد مبارزه انقلابی در هر کشور بر عهده خلق‌ها و پیشتاز انقلابی آن کشور است.

۱۰- جنگ چریکی همچون نطفه ارتش‌های آزادیبخش آینده، مفیدترین شکل جهت حرکت و توسعه مبارزه

انقلابی در غالب کشورهای ماست.

۱۱- رهبری انقلاب برای موفق شدن وظیفه دارد که فرماندهی سیاسی و نظامی واحد را بعنوان شکل سازماندهی مناسب ایجاد نماید.

۱۲- بهترین شکل ابراز همبستگی برای جنبش انقلابی فعالیت جهت توسعه و پیشبرد مبارزه در کشور خود است.

۱۳- همبستگی با کوبا و یک همکاری فعال با جنبش انقلابی مسلحانه برای سازمانهای ضد امپریالیستی قاره یک وظیفه مبرم است.

۱۴- انقلاب کوبا بعنوان سمبل پیروزی جنبش مسلحانه انقلابی، پیشتاز جنبش ضد امپریالیستی در امریکای لاتین است. در صورتیکه سایر خلق‌ها نیز مبارزه مسلحانه را برگزینند آنها نیز بعنوان پیشتاز همچون خلق کوبا به حساب می‌آیند.

۱۵- خلق‌های تحت استثمار مستقیم اروپا و با امریکا برای آنکه مجدداً در معرض تهاجم بوسیله استثمار نو امریکا قرار نگیرند باید مبرمترین وظیفه در حرکت برای آزادی و استقلال را در پیوند مبارزه عام با سایر کشورهای قاره بدانند.

۱۶- بنامیه دوم هاوانا، که دربرگیرنده سنت‌های با شکوه مبارزاتی ۱۵۰ سال اخیر امریکاست تشکیل دهنده یک سند اصلی برنامه انقلاب امریکای لاتین است که طی ۵ سال اخیر بوسیله خلق‌های این قاره بارورتر، عمیق‌تر و رادیکالیزه‌تر شده است.

۱۷- خلق‌های امریکای لاتین دشمن هیچ یک خلق‌ها در جهان نیستند و دست برادری بسوی خود ملت امریکا دراز میکنند و از آنها میخواهند که علیه سیاست سرکوب انحصارات امپریالیستی بها خیرند.

۱۸- جنبش در امریکای لاتین پیوندهای همبستگی‌اش را با خلق‌های افریقا - آسیا و کشورهای سوسیالیست کانگزان کشورهای سرمایه‌داری و خصوصاً سباهان امریکا که تحت ستم طبقاتی، فقر، بیماری، تبعیض نژادی و زیر پا گذاشتن حقوق بشر قرار دارد تقویت می‌کند. جنبش انقلابی باید روی این نیروی قابل ملاحظه حساب کند.

۱۹- مبارزه قهرمانانه خلق ویتنام به تمام خلق‌هایی که با امپریالیسم مبارزه می‌کنند، کمک بی اندازه‌ای کرده است و همچون الگوی مشوقی برای خلق امریکای لاتین شمرده میشود.

۲۰- ما یک کمیته دائمی از سازمان همبستگی امریکای لاتین که مرکب از نمایندگان واقعی خلق‌های امریکای لاتین است برای تنظیم، هماهنگی نمودن این مبارزه تشکیل میدهم. مرکز این کمیته‌ها در هاوانا است.

ما انقلابیون امریکای لاتین، امریکایی که تا جنوب ریو براندو گسترده است، وارثان انسانهایی که برای اولین بار استقلال را برایشان به ارمغان آوردند، مسلح به اراده تزلزل ناپذیر و یک راهنمای انقلابی و علمی در این مبارزه چیزی جز تخریب هر هیمن از دست نخواهیم داد.

ما اعلام میداریم: که مبارزه‌مان یک ارتباط قاطع با مبارزه تاریخی انسان برای رها شدن از بردگی و استثمار دارد.

وظیفه تمام انقلابیون است که انقلاب کنند.

### بیست سال قبل

توضیح: بیست سال قبل انقلابیون آمریکایی لاتین، تحت تاثیر پیروزی انقلاب در کوبا، به مبارزه مسلحانه انقلابی، به شکل وسیع روی آوردند. طی آن سالها، جنبش انقلابی مسلحانه در بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین شکل گرفت، که متأسفانه اغلب این جنبشها، نتوانست پیروز شود. در اوت ۱۹۶۷، کنگره سازمان همبستگی آمریکای لاتین در هاوانا تشکیل شد. در آن شرایط، انقلابی کبیر رفیق ارنستو چه گوارا، هنوز به همدست نرسیده بود و هنوز در جنبش انقلابی مسلحانه، خطوط مختلف از هم تفکیک نشده بود. ویتنام هنوز پیروز نشده بود و انقلابیون سراسر جهان پیام رفیق چه گوارا به این کنگره را که گفته بود "برای پیروزی ویتنام، باید ویتنام های دیگری بوجود آورد" را رهنمود عمل خود قرار می دادند. فضای کنگره در آن شرایط بیان کننده جو عمومی انقلابیون آمریکای لاتین بود. جالب است که مبارزه مسلحانه در آن کشورهایی که کنگره روی پیشرفت این شکل از مبارزه، تأکید میکند، پیروزیهای بدست نیاورده است. کنگره از بولیوی، ونزوئلا، کلمبیا و گواتمالا، بعنوان کشورهایی که "حضور یک جنبش انقلابی مسلحانه سهم و روز افزون" در آن جریان دارد صحبت می کند. در حالی که در این کشورها مبارزه مسلحانه به علل مختلف نه فقط پیشرفت نداشته، بلکه عقب گرد قابل توجهی را طی کرده است. بیانیه نهایی کنگره از آن نشریه (پارتیزان شماره ۳۸ سپتامبر ۱۹۶۷) ترجمه شده و در شرایطی که مبارزه مسلحانه انقلابی در مینام در حال پیشرفت است و توجه به تجربیات مثبت و منفی انقلابیون دیگر کشورها در گیری از آن، بسیار مفید است. نبرد خلق مباردت به چاپ این بیانیه ۲۰ ماده ای می نماید.

### بیانیه سازمان همبستگی آمریکای لاتین (۱ سال - آ - اس)

در اوت ۱۹۶۷ اولین (وتنها) کنگره سازمان همبستگی آمریکای لاتین در هاوانا با شرکت نمایندگان تمامی سازمانهایی که خود را طرفدار انقلاب کوبا می دانستند تشکیل گردید. نتیجه است که جریان کاسترو ایستی مسلط بود، اما برخی از نمایندگان کمونیسم سنتی (خصوصاً رولفی اریزمندی- دبیر حزب کمونیست اوروگوئه) نقش مهمی بر عهده داشتند. در مقابل احزاب کمونیست برزیل و ونزوئلا و آرژانتین کنگره را بایکوت کردند. تزه های سازمان همبستگی اثر بسیار عمیقی در امریکای لاتین داشتند، خصوصاً در برزیل که بحران داخلی حزب کمونیست را شدت بخشید. بنابراین خود سازمان هم مرکز قادر به سازماندهی خود در سطح قاره بشد. بیانیه عمومی که ما اینجا منتشر می کنیم خلاصه مباحث اصلی کنگره است، در یک بافت مارکسیستی، چشم انداز انقلاب فدرالی را بازگو می کند. در صفحه ۱۱

### برخی از رویدادهای تاریخی

داخلی:  
۱۲۸۶- اعدام انقلابی اتابک امین السلطان از ضد انقلابیون دوران مشروطه بدست عباس آقا از مجاهدین تبریز  
۱۲۹۹- شهادت شیخ محمد خیابانی  
۱۳۲۰- ورود تپهروهای متفقین به ایران و اشغال بخش هایی از خاک کشور توسط متفقین  
۱۳۲۰- پایان حکومت دیکتاتوری ۲۰ ساله رضا خان قلمر  
۱۳۲۱- اعتصاب کارگران ریسندگی سنجان و شهادت ۵ کارگر این کارخانه  
۱۳۲۴- تشکیل فرقه دمکرات آذربایجان  
۱۳۲۴- امضا قرارداد خاشانه با کمرسیوم بیسن- المللی نفت، توسط نوکر استعمار علی امینی  
۱۳۲۷- درگذشت نویسنده انقلابی، رفیق صمد بهرنگی  
۱۳۵۰- دستگیری اولین دسته از اعضا و مسئولین سازمان مجاهدین خلق بوسیله مزدوران ساواک  
۱۳۵۲- شهادت مجاهد قهرمان مهدی رضایی  
۱۳۵۵- شهادت مجاهد خلق دکتر محمد صفوری لنگرودی بدست عمال رژیم شاه خائن  
۱۳۵۷- تظاهرات وسیع مردم تهران و سقوط دولت آموزگار و تشکیل دولت شریف امامی  
۱۳۵۷- اولین تظاهرات گسترده و عظیم مردم تهران علیه رژیم شاه در روز عید فطر  
۱۳۵۷- کشتار مردم تهران در میدان زاله (جمععه خونین) و اعلام حکومت نظامی در تهران و ۱۱ شهر دیگر توسط رژیم شاه  
۱۳۵۷- اعتصاب کارگران پالایشگاه تهران و اعتصابات سراسری  
۱۳۵۸- درگذشت رجل مجاهد، آیت الله طالقانی  
۱۳۵۸- شهادت مبارز برجسته خلق کرد، کالد سواد محطفی سلطانی از اعضای رهبری کومله در صفحه ۴

### اخبار کوتاه

پس از آنکه نهمین کاروان کشتی های کویشتی در تاریخ ۱ و ۲ شهریور امسال تحت حمایت رزمناو های امریکایی، بدون وقوع هیچگونه حادثه از ننگه هرمز گذشتند، کارشناسان نظامی ایالات متحده در صفحه ۳

برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات سازمان در امریکا و کانادا با آدرس زیر مکتبه کنید.  
HOVE, YAT  
P.O. BOX 2891  
RESTON, VA 22090

برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات سازمان با آدرس زیر مکتبه کنید  
F. ASSELIN  
B.P. 311  
75229 PARIS  
CEDEX 05  
FRANCE

برای فتح قله های  
پر صلابت عشق؛  
عشق به آزادی؛  
عشق به مردم؛  
عشق به بربری؛

### یامرگ یاسرزی

رفقای فدایی: یعقوب (امیر) تقدیری - یوسف کیشی زاده (حسن) - ابرح سپهری - علی میر شکاری - انور اعظمی - محمود بابایی - هاشم باباعلی - اعظم السادان روحی آشگران - حسن سعادت - پروین فاطمی - طهمورت اکبری - جمیل یخچالی - شهریار و احسن تاهید - محمد مجیدی - حمید رضا مالکسی احمد صادقی - محمد تقی برومند - بهنام رهبر - بهمن رهبر - محمد رضا فریدی - سعیده کریمیان پرویز داوری - غلامحسین بیگی - حسن صالحی - علی رضا شاه بابایی - ناصر فتوتی - محمد سپاسی - حمید رضا ماهیگیر - عباس کابلی - جواد کارشی - نادره نوری - علیرضا پناهی - قاسم معروفی - ابوبکر آرمان هوشنگ احمدی - رشید یزدان پناه (سکوا) - بیژن جنتی - مرتضی خدا مرادی - منطقی شعر الدینسی قاسم سید باقری - عبدالرضا غفوری - عزیز محمد رحیمی - اصغر جعفری جزایری - خسرو مبارکسی سعید رهبری - علیرضا براق چی - محمد رضا ستوده احمد رضا شعاعی - مهدی سمیعی - ابوالفضل نزل ابان - رشید آهنگری -

\*\*\*

کمک های رسیده از امریکا  
دوستان و رفقای زیر، کمک های مالی شما رسید  
۵۰ دلار خانم م سق با قبض شماره ۲۵۴  
۵۰ دلار آقای ت - م از ورجینیا با قبض شماره ۲۵۳  
۱۵۰ دلار آقای ج - ت چک بانکی  
۳۰ دلار خانم ز - ن با قبض شماره ۲۲۱  
۱۴۰ دلار آقای ب - س با قبض شماره ۲۵۴

با کمک های مالی خود سازمان را در  
انجام وظایف انقلابی یاری رسانید  
هم میهنان مبارز  
سازمان ما برای گسترش مبارزه مسلحانه انقلابی علیه رژیم خمینی به کمک های مالی شما نیازمند است.  
کمک های مالی خود را بهر میزان که باشد، با مستقیماً بدست ما برسانید و یا به حساب بانکی سازمان مندرج در همین صفحه نشریه واریز کرده و قبض رسید و یا فتوکپی آنرا به آدرس صندوق پستی سازمان در فرانسه ارسال دارید.

### حساب بانکی جدید

نام بانک SOCIÉTÉ GÉNÉRALE  
آدرس بانک BOULOGNE - S. - SEINE  
کد گیشه 03760  
شماره حساب 00050097851  
نام صاحب حساب MME: R.-T.-TALAT